

## حقوق انسانی و شهروندی در حکومت اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی حقوقی

### آیت‌الله هاشمی شاهرودی

سیدمحمدجواد قربی<sup>۱</sup>

#### چکیده

حقوق شهروندی یکی از مقولات راهبردی در نظام‌های سیاسی دموکراتیک است که در دهه اخیر بازتاب فراوانی در منشورهای بین‌المللی و اسناد حقوق بین‌الملل داشته است و به همین دلیل، کشورهای مختلف در راستای کسب مشروعیت بین‌المللی، سندها و مراکزی برای حقوق شهروندی تدارک دیده‌اند. اگر چه حقوق شهروندی در ادبیات غرب و محافل سیاسی حقوق بین‌الملل مطرح شده، اما سابقه آن در اسلام بسیار بیشتر از اسناد حقوقی سازمان‌های بین‌المللی است، زیرا تاریخ اسلام سرشار از احکامی است که مبتنی بر حقوق انسانی است و آموزه‌های وحیانی بر حقوق همه‌جانبه افراد تأکید دارند. با توجه به اختلاف آرا و تفاسیر در باب حقوق شهروندی در نظام‌های سیاسی مختلف، در این مقاله سعی می‌شود حقوق شهروندی از دیدگاه یکی از مقامات قضایی ایران بررسی شود که نقش مهمی در نهادینه‌سازی و توسعه قضایی در حوزه مقررات حقوق شهروندی در ایران داشته است. آیت‌الله سیدمحمد هاشمی شاهرودی ضمن فعالیت در بالاترین جایگاه قضایی ایران، اندیشه و

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، ghorbi68@yahoo.com

گفتارهای متعددی در خصوص حقوق شهروندی و انسانی داشته که پرداختن به آن‌ها می‌تواند به درک بهتر چیستی حقوق شهروندی در قوانین جمهوری اسلامی کمک نماید. از این رو، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی تلاش می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که: «حقوق شهروندی در حکومت اسلامی براساس اندیشه‌های حقوقی - سیاسی آیت‌الله هاشمی شاهرودی، دارای چه بار مفهومی، مصادیق و ملزوماتی است؟» مفروض مقاله این است که حقوق شهروندی یکی از حقوق راهبردی و اساسی در حکومت اسلامی است که بر اساس آموزه‌های وحیانی و فرامین اسلام ناب محمدی (ص)، لازمه تعالی جامعه است و دوری از مؤلفه‌ها و مصادیق حقوق انسانی، جامعه را با مشکلات و آسیب‌های داخلی و خارجی زیادی همراه می‌سازد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، توسعه قضایی، آیت‌الله هاشمی شاهرودی، حقوق زنان، حقوق بشر غربی، قوه قضاییه، احزاب، حقوق کارگران.



## مقدمه

حقوق بشر منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه‌ای است که در آن، هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه، همراه با مساوات و کرامت بشری برخوردار باشد. حقوق بشر مجموعه حقوق وضع شده مربوط به اعلامیه جهانی حقوق بشر یا انقلاب کبیر فرانسه نیست؛ بلکه باید قدمت آن را به درازای حیات بشر دانست. موضوع حقوق بشر، «انسان» است و در جهان بینی اسلامی نیز انسان خلیفه خدا است که در سایه عقل، اراده و مسئولیت بر سایر مخلوقات برتری دارد. نزدیکی و قرابت آدمی به خداوند و اعتقاد به ارزش و کرامت والای انسان، به حقوق بشر در نظام اسلامی، موقعیت ممتاز و برجسته‌ای بخشیده است. آن چه که به عنوان حقوق انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، به نحو کامل تری در نظام حقوقی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. (قریشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱)

حقوق بشر آن امور ثابت، پایدار و مشترک در همه انسان‌ها است که هر انسانی به جهت انسان بودن باید آن را داشته باشد و آن را دارد و این حق را خالق انسان در آغاز تولد برای او قرار داده است. (داوری، ۱۳۸۹: ۸۷) با این اوصاف، حقوق بشر در منطق اسلامی با اوصافی نظیر برهان پذیر، و حیانی و الهی، هدفمند، حق‌گرا و تکلیف‌مدار، مبتنی بر فطرت و خلقت انسانی، واقع‌نگر و جامع، منسجم و هماهنگ، برخوردار از ضمانت اجرای بیرونی و درونی، اخلاق‌مدار، جهان‌شمول، کمال‌گرا به جای فردگرا و جامعه‌گرا، تناسب‌مدار در حقوق جنسیتی و در بردارنده حقوق انسانی در موقعیت‌های اضطراری است. (باقرزاده، ۱۳۹۳: ۵۷) این مسائل در حالی است که برخورد کشورهای غربی در زمینه حقوق بشر کاملاً سیاسی است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ب: ۲۱۶)

امروزه مباحث مربوط به حقوق بشر، نه تنها یکی از موضوعات بسیار مهم در جوامع علمی دنیا به‌شمار می‌رود، بلکه اهمیت فراوانی در جوامع بشری به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و به‌خصوص سیاسی دارد. با توجه به جامعیت دین اسلام در تدوین قواعد زندگی انسان، به مؤلفه حقوق بشر به‌عنوان یک اصل مهم توجه شده است. جریان نواندیشی دینی در جهان اسلام، توجه ویژه‌ای به ارائه قرائت جدید از اسلام مبتنی بر مقتضیات امروزی جوامع اسلامی هم در حوزه تشیع و هم تسنن دارد. (حمیدی و کامرانی، ۱۳۹۷: ۱۹۵)

در همین راستا، اهمیت حقوق بشر و کرامت انسانی، یک مقوله راهبردی در جمهوری اسلامی و اندیشه سیاسی و حقوقی متفکران انقلاب اسلامی است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شاهد



شکل‌گیری ساختاری از نظام حقوقی و حکومتی هستیم که بر اساس اصول و قوانین اسلامی پی‌ریزی شده و مبین پارادایمی است که حقوق ملت را بر مبنای ارزش‌های دینی شکل داده است. قانون اساسی به عنوان مهم‌ترین سند حقوقی هر کشور که چارچوب نظام حقوقی جامعه را شکل می‌دهد، جلوه و منظر چنین حقوق و ارزش‌هایی است. قانون اساسی با توجه به اهمیت کرامت انسانی در اسلام، حقوق مختلف مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را برای ملت به رسمیت شناخته است که با توجه به مبنای این حقوق، می‌توان قائل به حقوق بشر اسلامی به مثابه الگویی تئوریزه شده بر اساس ارزش‌های اسلامی شد. (ارغوانی و دهقان، ۱۳۹۶: ۳۳)

نظام حقوقی مزبور از حیث ماهیت، به قواعد بنیادین حقوق اسلامی توجه نموده و به رعایت آن التزام داشته است. در این راستا پس از شکل‌گیری دستگاه قضا، برخی از سیاست‌گذاری‌ها توانسته مدلی مستقل را در عرصه حقوق بشر مطرح نماید. از این رو، نظرات آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی به عنوان یکی از سردمداران مکتب حاکمیت قانون و حقوق بشر بر قوه قضاییه، می‌تواند تصویری واضح و مشخص از مباحث حقوق انسانی در سیستم قضایی ایران ارائه دهد. (انصاری، ۱۳۹۷: ۱)

آیت‌الله هاشمی شاهرودی علاوه بر فعالیت‌های اجرایی در مناصب قضایی جمهوری اسلامی ایران، دارای اندیشه و تفکرات حقوقی بود. یکی از مباحث مورد تأکید ایشان، موضوع حقوق بشر بود که تأکید داشتند باید در خصوص مبانی حقوق بشر اسلامی و نقد حقوق بشر غربی، پژوهش‌هایی صورت بگیرد و در توصیه به محافل علمی و آکادمیک بیان می‌کردند: «در دیدگاه اسلام، مبانی حقوق انسان‌ها بر اساس عدالت انسانی و اجتماعی است. اسلام برای حقوق واقعی انسان‌ها و آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی احترام خاصی قائل است و من فکر می‌کنم باید حوزه، دانشگاه‌ها، حقوق‌دانان و قضات با نگاهی علمی و محققانه افتخارات ارزنده حقوق واقعی بشر را بر اساس مبانی ناب اسلامی به سایر کشورهای جهان منتقل کنند. مبانی حقیقی اسلام و سیره ائمه اگر موشکافانه مورد مذاقه قرار گیرد، به تحقیق، بیشترین جنبه‌های حفظ حقوق انسان‌ها در این مبانی به‌طور عملی و اصیل وجود دارد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۴)

با توجه به مباحث فراوان نظری در اندیشه سیاسی و حقوقی آیت‌الله شاهرودی در خصوص حقوق بشر، این مقاله تلاش دارد با رجوع به آثار ایشان، به بررسی مفهوم حقوق بشر پردازد و به این سؤال اصلی از طریق روش تحلیلی - توصیفی پاسخ دهد که: «حقوق بشر در اندیشه سیاسی و حقوقی آیت‌الله شاهرودی به چه معنا است؟» برای پاسخ به این سؤال، ضمن بررسی افکار ایشان



در خصوص حقوق بشر غربی، به مسئله مبانی، مصادیق، مفهوم‌شناسی و رویکردهای حقوق بشر پرداخته می‌شود. آیت الله شاهرودی باور داشت که «وضع حقوق شهروندی و به طور کلی حقوق بشر در کشور ایران، کم نظیر است. چون نظام ما نظام اسلامی است، قانون اساسی و قوانین عادی ما بر اساس اسلام است، مسئولان نظام ما پایبندند و اعتقاد دارند و با اعتقاد به قوانین اسلامی کارشان را انجام می‌دهند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ب: ۱۸۷)

با توجه به این تأکید است که بررسی دیدگاه ایشان نسبت به حقوق بشر در نظام مفهومی، اقدامات سیاسی غرب در باب مقوله حقوق بشر و ظرفیت‌های نظام اسلامی در حوزه حقوق انسانی، می‌تواند به درک مفهوم حقوق بشر در سیستم قانونی و قضایی ایران کمک شایانی نماید.

## ۱. معنا و مفهوم حقوق شهروندی در ادبیات سیاسی - حقوقی آیت الله شاهرودی

### ۱-۱. معنای حقوق شهروندی در ادبیات حقوقی؛ رویکردهای عام و خاص

حقوق شهروندی واژه جدیدی در ادبیات حقوق است که دو معنای مطلق حقوق عمومی و یک معنای خاص دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ت: ۱۲-۱۱ و قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۲۹)

آیت الله شاهرودی در تبیین معنای عام و خاص حقوق شهروندی آورده‌اند که ممکن است برای حقوق شهروندی یک معنای عام و وسیع در نظر گرفته شده و به صورت مطلق حقوق عمومی، اجتماعی و فردی شهروندان و آحاد ملت تعریف شده و به این ترتیب حقوق عامه افراد، حقوق اجتماعی، حقوق شخصی، خانوادگی، فرهنگی و آزادی‌های مشروع را در بر می‌گیرد. با این تعریف از حقوق شهروندی، این عنوان مخصوص قوه قضاییه و کارهای قضایی نخواهد بود؛ بلکه همه ابعاد حقوق انسانی را شامل می‌شود. معنای نخست، کل حقوق نظام و جامعه را در بر می‌گیرد و معنای بسیار عامی است که بخشی از آن مشمول حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عامه خود دولت هم می‌شود. این معنا، معنای عام حقوق شهروندی است، اما بر اساس معنای محدودتر، حقوق شهروندی به معنای حقوقی است که در رابطه شهروندان با حاکمیت به وجود می‌آید و در این معنا مدیریت باید به گونه‌ای شکل بگیرد که حقوق، سلب یا تضییع نشود. اطلاق دیگر برای حقوق شهروندی، به معنای حقوقی است که در رابطه شهروندان و حاکمیت در اجرا و اداره مردم وجود دارد و اطلاق مضیق‌تری است. هنگامی که فرد در جامعه‌ای جای می‌گیرد، معمولاً حقوق و آزادی‌های



او با حقوق دیگران و عامه در تزاخم و تضاد واقع می‌شود. حاکمیت به عنوان مدیر و نظم‌دهنده به اجتماع و جامعه، مسئولیت دارد تا در چنین جایگاهی، حقوق آحاد جامعه را به گونه‌ای تنظیم کند که بیش‌ترین حق رعایت گردد و مرز آن حقوق با حقوق اجتماع مشخص شود. بدین ترتیب، مدیریت اجتماعی نباید به صورتی شکل گیرد که سبب تضییع، تحدید و سلب آن حقوق شود. در این معنا، حقوق افراد و آحاد جامعه، حقوق خانواده‌ها و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی هم باید در مدیریت کلان اجتماعی ملموس شده و در قوانین مورد توجه قرار گیرد و در مقام اجرا، رعایت و حفظ شود. آن دسته از نظام‌ها و قوانین اجتماعی که بتوانند به بهترین نحو، حقوق فرهنگی، اجتماعی یا حقوق شهروندی، حقوق کیفری و حقوق مدنی افراد را حفظ کنند، در حالی که در مدیریت اجتماعی - حتی حاکمیت - نظم اجتماعی رعایت شده باشد، موفق - تر و با ارزش‌تر هستند. چنانچه حاکمیتی برای برقراری نظم، امنیت و اجرای تشریفات اداری و برپایی تشکیلات موردنیاز، حقوق شهروندی را تضییع کند، بحث حقوق شهروندی و حفظ آن مطرح می‌گردد و نظام‌های قضایی و حقوقی که بتوانند این حقوق را - ضمن مدیریت کلان جامعه - به شکلی دقیق‌تر و کامل‌تر حفظ نمایند، موفق‌تر هستند. از این رو، این دو اصطلاح در تعریف حقوق شهروندی باید از هم جدا شوند. بیش‌ترین اطلاق این واژه از نظر حقوقی در گفتمان‌های حقوقی روز دنیا، مربوط به معنای دوم است. منظور از حقوق شهروندی این است که حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه - که بخش مدیریتی جامعه است - حفظ شود و در لابه‌لای تشریفات و ادارات مورد نیاز مدیریت جامعه از بین نرود و تضییع نشود. درحقیقت این تعامل، میان حقوق حاکمیت و حقوق افراد است و این جاست که حقوق شهروندی مورد توجه و عنایت قرار می‌گیرد و نقش دستگاه قضایی و حقوق قضایی در این بخش بیش‌تر نمایان می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۶۱-۵۹)

## ۱-۲. تقسیم‌بندی حقوق شهروندی

آیت‌الله شاهرودی در کتابی تحت عنوان «شهروندمحوری در عرصه عدالت» که دکترین ایشان در عرصه حقوق شهروندی است، مجموعه حقوقی که برای یک شهروند باید قائل شد را بر اساس متن قانون اساسی به بخش‌های سه‌گانه مدنی و سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی تقسیم می‌کند. (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۶: ۹) در ادامه به بررسی این سه تقسیم‌بندی از دیدگاه آیت‌الله شاهرودی اشاره می‌شود:



### ۱-۲-۱. حقوق مدنی و سیاسی

این حقوق شامل آزادی مذاهب و ادیان در انجام اعمال و مناسک خود، مساوی بودن مردم از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد و زبان، مصونیت حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مگر با تجویز قانون، ممنوعیت تفتیش عقاید، آزادی نشریات و مطبوعات، ممنوعیت دخالت در حریم خصوصی افراد، آزادی جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و اقلیت‌های مذهبی، آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها و حق داشتن تابعیت ایرانی برای هر فرد ایرانی است. (نک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶ ب)

### ۱-۲-۲. حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی

این حقوق شامل حق آزادی انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، فراهم شدن وسایل آموزش و پرورش رایگان برای تمام شهروندان توسط دولت، حق داشتن مسکن متناسب با نیاز هر فرد و استواری اقتصاد ایران بر اساس تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه و تأکید بر تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی است.

### ۱-۲-۳. حقوق قضایی

حقوق قضایی بر مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود:

«تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون (اصل سوم)، تدوین کلیه مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی بر اساس موازین اسلامی (اصل چهارم)، حمایت قانون از همه افراد ملت اعم از مرد و زن (اصل بیستم)، ایجاد دادگاه صالح به‌منظور بقای خانواده (اصل بیست و یکم)، ممنوعیت دستگیری و بازداشت بدون حکم قانون (اصل سی و دوم)، ممنوعیت تبعید یا اقامت اجباری مگر به حکم قانون (اصل سی و دوم)، حق دسترسی همه افراد ملت به دادخواهی و دادگاه‌های صالح (اصل سی و چهارم)، حق دسترسی به وکیل (اصل سی و پنجم)، حاکمیت اصل برائت (اصل سی و هفتم)، ممنوعیت شکنجه و اجبار به شهادت، اقرار یا سوگند (اصل سی و هشتم)، ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده‌اند (اصل سی و نهم)، حق شکایت از نحوه عملکرد مجلس، قوه مجریه یا قضاییه (اصل نود)، علنی بودن محاکمات مگر آنان که منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشند (اصل یک‌صد و شصت و پنجم)، اصل عطف به ماسبق



نشدن قوانین (اصل یک‌صد و شصت و نهم)، جبران خسارت توسط قاضی در اثر تقصیر و اشتباه او و وارد شدن ضرر مالی به دیگری (اصل یک‌صد و هفتاد و یکم). (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۷۷-۷۵)

### ۳-۱. استغنای نظام اسلامی از مفاهیم حقوق بشر غربی

حقوق انسان در اسلام بسیار محترم است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: الف: ۳۵) و خداوند «برای حفظ جان انسان‌ها و سلامت جسم و روح آن‌ها و بقای نسل‌ها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی قرار داده است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲: ۱۴۷) به عبارت دیگر، در متن اسلام، دیدگاه‌ها و سیاست‌های اصولی و اساسی قضایی است که مربوط به احقاق حقوق است و اسلام بیشتر از دنیای غرب به حقوق شهروندی و حقوق مردمی اهمیت داده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۳۰) در آموزه‌های اسلامی، تعالیم و بیانات معصومین (ع) به همراه کتاب مقدس قرآن کریم، در باب حقوق بشریت، مباحث زیادی مطرح شده و همین مسئله باعث می‌شود تا در حوزه نظر و عمل، نظام اسلامی هیچ وابستگی و نیازی به مفاهیم غربی و الگوی کشورهای غربی در حوزه حقوق بشر نداشته باشد. هاشمی شاهرودی در این زمینه توضیح می‌دهند: «در متون اسلامی و شیعی، مطالبی در خصوص رعایت خلق و توجه به مردم آمده است که ما را از دنباله‌روی تعالیم غربی و رعایت به اصطلاح حقوق بشر غربی، مستغنی ساخته است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ب: ۲۵۳)

نظام قضایی اسلام دقیق‌ترین و برترین نظام قضایی در تحقق عدالت قضایی و حفظ حقوق بشر است. با توجه به همین استغنای نظام قضایی اسلام است که آیت‌الله شاهرودی توضیح می‌دهند: «تمسک غرب به حقوق بشر، مزورانه است و در عمل دوگانه برخورد می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند به بهانه نقض حقوق بشر در کشورهای اسلامی به خصوص در بعد سیاسی و اجتماعی، همان الگوی مزورانه خودشان را تحمیل کنند. ما با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی، می‌توانیم استغنای خودمان در همه این ابعاد را اثبات کنیم و مدل‌های جدیدی به دنیا ارائه دهیم که از مدل‌های آن‌ها پیشرفته‌تر، عادلانه‌تر و حقانی‌تر است. عدالت نظام قضایی اسلام، بی‌نظیر است و اگر به درستی اجرا شود، مردم طعم عدالت را خواهند چشید. دشمنان در تبلیغات خود فقط بعضی مجازات‌های اسلامی مانند قصاص و شلاق را علم کرده و از این شیوه برای بدبین کردن اذهان مردم نسبت به نظام قضایی اسلامی، استفاده می‌کنند. اگر اهمیت حقوق شهروندی و عدالت قضایی که در اسلام وجود دارد، به درستی تبیین شود، آن وقت مشخص می‌شود که چقدر نظام قضایی اسلام دقیق‌تر است و در تحقق عدالت قضایی و حفظ





حقوق بشر، بر نظام‌های مدعی، برتری دارد. آنچه آن‌ها در تبلیغات خود علیه ما بر آن تکیه کرده‌اند مانند کیفر قصاص، اگر با شرایط خودش اجرا شود، آن هم عین عدالت و مایه حیات انسان‌هاست.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۵۴-۵۳)

## ۲. حقوق شهروندی و انسانی به مثابه یک مسئله جهانی

### ۲-۱. دیدگاه‌های اختلافی در باب حقوق انسانی در مکاتب بشری

آیت الله هاشمی شاهرودی در دیدار با دبیرکل اتحادیه بین‌المجالس در سال ۱۳۸۱، پیرامون نگرش‌های اختلافی در باب حقوق بشر و علت‌های آن اظهار داشتند: «بحث حقوق بشر یکی از مسائل مهم امروز جوامع بشری است. در مورد حقوق بشر، ابتدا می‌بایست با مبانی و تعاریف مکتب‌های گوناگون در خصوص مسائل مهم در مبانی حقوق بشر آشنا شد. مثلاً این‌که اصالت را به فرد بدهیم یا به جامعه یا به هر دو؟ در جایی که حق فرد با حق جامعه در تزاخم و تضاد قرار گیرد، چه باید کرد؟ مسئله دیگر، ارزش‌هایی مانند عدالت و آزادی است که اصل و کلیت آن‌ها مورد قبول همه انسان‌هاست، ولی در محدوده و تعاریف آن‌ها، ممکن است اختلافات زیادی وجود داشته باشد. در تعریف نیازهای انسان نیز اختلاف دیدگاه‌ها فراوان است. آیا نیازهای انسان را مانند دیگر حیوانات در محدوده مادیات و خوراک و مسکن تعریف می‌کنیم، یا این‌که تعریف دیگری برای نیازهای انسان داریم؟ مسائل زیادی از این قبیل در مبانی و تعریف حقوق بشر نقش مؤثر دارد. از این رو، اگر بعضاً اختلافی میان مکتب‌های گوناگون در مورد مسائل حقوق بشر وجود دارد، یک بخش آن به همین اختلاف در دیدگاه‌ها و تعاریف مبنایی و اصولی و پیش‌فرض‌ها برمی‌گردد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۰-۱۷۹)

با همه این تفاسیر، مادیگری تمدن غرب بعد از ادعاها و شعارهای گوناگون درباره سعادت انسان‌ها و حقوق بشر، در تأمین سعادت انسان به بن‌بست رسیده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۳۴) مکاتب غربی به دلیل برخورداری متناقض نسبت به مسئله حقوق انسانی، کاملاً از دیدگاه جامعه بشری مطرود شده‌اند و همان‌طور که آیت الله هاشمی شاهرودی در کتاب «اندیشه اسلامی» می‌فرماید: «خوشبختانه جریان عملی مدل‌ها و مکتب‌های بشری، آن‌ها را خود به خود به بن‌بست کشانده است. بینید با مسئله حقوق بشر چگونه دوگانه و تبعیض‌آمیز برخورد می‌کنند، هویت یک کشور و ملتی را مصادره می‌کنند، انسان‌های بی‌گناه را زیر تانک له و شهرها را تخریب می‌کنند، این‌ها هیچ‌کدام خلاف حقوق بشر نیست!



اما مثلاً در کشور ما یک بازداشت اشتباهی را در بوق و کرنا می‌کنند که وای حقوق بشر از بین رفت! آن‌ها خود مشخص می‌کنند چه چیزی حقوق بشر است و چه چیزی حقوق بشر نیست، کدام بشر حق دارد و کدام بشر حق ندارد و باید زیر تانک آن‌ها له شود. کدام سرزمین حق استقلال دارد و کدام سرزمین ندارد، خجالت هم نمی‌کشند که این طور رأی می‌دهند و این طور تصویب می‌کنند. در هر بخشی که وارد می‌شویم، می‌بینیم که امروزه بدترین شکل تجاوز به حقوق بشر را خود مدعیان حقوق بشر که کنوانسیون دروغینی را هم درست کرده‌اند، انجام می‌دهند و چون مسئله برایشان کاملاً عادی شده است، شرم هم نمی‌کنند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ج: ۲، ۴۲)

## ۲-۲. توسعه مصادیق حقوق شهروندی در عصر جدید

در کتاب «حقوق شهروندی» در خصوص توسعه مصادیق و مؤلفه‌های حقوق شهروندی آمده است: «این حقوق، روز به روز رو به توسعه است. ببینید حقوق شهروندی چگونه توسعه یافته است. در گذشته چند مورد بیشتر نبود، اما امروز در دنیا آن قدر آن را توسعه داده‌اند که برخورداری ملتی از یک صنعت و علم هم جزء حقوق شهروندی است، واقعاً هم همین طور است. از حقوق یک ملت این است که بتواند از آخرین دستاوردهای علمی جهان استفاده کند. منع این حق، خلاف حقوق شهروندی است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۵۱-۵۷) البته در حوزه بسط مصادیق و جلوه‌های حقوق شهروندی در ادبیات و محافل علمی جهان باید توجه داشت که «مسائل حقوق اساسی و چالش‌های حقوقی میان غرب و اسلام، از مسائل بسیار مهمی است که باید با استفاده از منابع فقهی غنی اسلام، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ج: ۱۰)

## ۲-۳. سیاست ابزاری قدرت‌های جهانی نسبت به حقوق بشر

به میزان رشد بیداری سیاسی ملت‌ها، غرب به منظور جلوگیری از بیداری عمومی مردم، از نیرنگ‌ها و توطئه‌های استکباری بیشتری استفاده می‌کند. در این راستا، شعارهای جدیدی همانند مقابله با تروریسم، دفاع از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی را مطرح می‌نماید. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۸۳) در همین راستا، «سازمان‌های حقوق بشری وابسته به استکبار به دنبال این هستند که بگویند در کشور ما ناامنی است، حکومت ناموفق است و قادر به مهار فساد و فحشا نیست. این توهین به اسلام و نظام اسلامی است، نه اجرای حدود و مقابله با جرایم.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ ج: ۳۱)



تمام شعارهای غرب در حوزه حقوق شهروندی و انسانی چون بر اساس ماده پرستی و مادیت بوده و معنویت را قبول ندارد، دچار تناقض می شود. آیت الله شاهرودی در خصوص این تناقض و پوشالی بودن ادعای حقوق بشر توسط آمریکا اشاره می کند که: «ادعای غرب در راستای حمایت از حقوق شهروندان جهان، مبتنی بر «منطق فرعونی» است. امروز آمریکا فقط به جهت این که قدرت اقتصادی و قدرت نظامی بیشتر است، می گوید هر چه من می گویم درست است، آن چه من می گویم، حقوق بشر است، تروریسم همان است که من تعریف می کنم، محور شرارت همان است که من تعیین کردم، فلان کشور نباید فلان دانش یا قدرت نظامی را داشته باشد، اگر کشورهای مورد حمایت من این دانش یا قدرت را دارند، اشکال ندارد، ولی آن کشور نباید داشته باشد! این عین منطق فرعونی است. در این راه، هر شیوه ای را اعمال کند، درست می داند و هر کس هم با آن مقابله کند، می شود تروریست. این حق را چه کسی و با کدام منطق به تو داده است؟ با این شیوه، دیگر هیچ آبرویی برای چنین قدرتی در جهان نمی ماند که خود را مدافع حقوق بشر بداند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ش: ۳۶-۳۵)

نگرش انتقادی آیت الله هاشمی نسبت به حقوق بشر در سیاست بین الملل این گونه تشریح شده است: «چیزی که امروز متأسفانه بیشتر از هر چیز به بحث حقوق بشر لطمه می زند، استفاده ابزاری از حقوق بشر است که امروز در دنیا شاهد آن هستیم و می بینیم که عنوان دفاع از حقوق بشر یا مبارزه با تروریسم، دستاویزی برای توسعه طلبی قدرت های بزرگ و تهدید و تهاجم به کشورهای دیگر شده که در هر منطقی تجاوز روشن و آشکارا به حقوق بشر است. پس در باب حقوق بشر در سطح جهانی، هم نیاز به نزدیک شدن به تعاریف مشترک داریم، هم نیاز به وضع ضوابط قوی که از استفاده ابزاری از حقوق بشر توسط قدرت های بزرگ جلوگیری کند. تنها رسیدن به تعاریف مشترک یا نزدیک به هم از حقوق بشر، کافی نیست. در تاریخ زیاد می خوانیم که چگونه خشن ترین و مستبدترین حکومت ها هم بعضاً از شعارهای عدالت خواهی و عدالت طلبی استفاده می کردند، ولی این شعارها ابزار و دستاویزی بود برای رسیدن به خودکامگی های خودشان. تا وقتی که انسان وجود خود را محدود به حیات مادی می داند، نمی تواند از این پارادوکس خلاص شود. انسانی که زندگی خود را محدود به امور مادی این دنیا می داند و هیچ حیات دیگری را برای خود معتقد نیست، با این فلسفه و این دید، قطعاً در معرض استفاده ابزاری از مفاهیم عالی و مقدس قرار می گیرد. مکتب اسلام از دوراه، این تناقض را حل کرده است. یکی باور به این که زندگی انسان محدود به این دنیا نیست؛ بلکه زندگی اصلی او در جهان آخرت است. انسان در



رفتار خود باید آن جهان ابدی را در نظر بگیرد و آنچه را دنبال آن است، باید در چشم‌انداز ابدیت ببیند. هر چه این اعتقاد عمیق‌تر شود، در برنامه‌ریزی‌های دنیایی تأثیر بیشتری می‌گذارد. او بر این باور است که انسان آنچه را در این جا ایثار می‌کند، از خواست خودش برای خدمت به مردم می‌گذرد، چندین برابر آن را در آن دنیا تحصیل می‌کند.

راه دوم برای علاج این تناقض، احیای گرایش‌های ارزشی و معنوی در فطرت انسان‌هاست، به طوری که بیش از مقداری که از امور مادی لذت می‌برد، از امور معنوی و خدمت به جامعه و ایثار و برقراری عدالت و گذشت لذت می‌برد. این جاست که آن تضاد به شکل معقول و منطقی حل می‌شود و انسان با این که قدرت و امکان مادی در اختیارش هست، ولی آن را به نفع خود و علیه حقوق دیگران به کار نمی‌گیرد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۱-۱۸۰)

ایشان معتقدند استکبار جهانی در مقابله آشکار و تقریباً زودررویی با کل جهان اسلام قرار گرفته و سرکرده استکبار که آمریکا است، به بهانه مبارزه با تروریسم، برخلاف همه مقررات و حقوق بین‌المللی، به خود حق هرگونه تجاوز و دخالت و تعدی را در منطقه داده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ث: ۱۷) در همین راستا، ایشان بیان می‌کنند: «زورگویی از این روشن‌تر؟ استکبار و طغیان از این بیشتر؟ آن هم به نام حقوق بشر. چگونه سازمان‌های بین‌المللی که باید پاسدار حقوق بشر و منافع ملت‌ها باشند، شرم نمی‌کنند که این‌گونه آلت دست آمریکا و اسرائیل و انگلیس باشند؟» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ ب)

بنابراین، قدرت‌های جهانی همواره در مجامع بین‌المللی از حقوق بشر یاد می‌کنند، ولی در این خصوص، سیاستی دوگانه و شعاری دارند. آن‌ها از یک سو از رژیم‌های غیرانسانی حمایت می‌کنند و از سوی دیگر، هیچ توجهی به حقوق بشر به عنوان یک هدف ندارند، بلکه از آن به عنوان یک ابزار سیاسی بهره می‌گیرند. آیت‌الله شاهرودی در این خصوص اشاره می‌کنند: «ماهیت مزورانه و غیرصادقانه مربوط به کسانی است که این انتقادات را علیه ما علم می‌کنند، ادعای آن‌ها غیر از گفته‌ها و شعارشان است. شعار حقوق بشر سر می‌دهند؛ در حالی که در کشورهای خود یا در اقمار وابسته به خود، حقوق بشر را به بدترین شکل زیر پا می‌گذارند، این با آمار و ارقام قابل اثبات است. شعارهای غرب در مورد حقوق بشر، مزورانه و منافقانه است. چطور در مورد کشورهای دیگر که دنباله‌رو سیاست‌های آن‌ها هستند و خواسته‌های آن‌ها را انجام می‌دهند، هیچ اعتراضی نسبت به نقض حقوق بشر و تضییع حقوق زن انجام نمی‌شود... اصلاً در این کشورها مجلس وجود ندارد. با این همه، نمی‌گویند در آن جا ظلم و



استبداد است و حقوق بشر پایمال می شود، بلکه این قبیل کشورهای وابسته خیلی هم قره العین قطب های استکباری جهان هستند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۲۶)

ایشان در جایی دیگر اشاره می کنند: «شعارها و اعلامیه ها و کنوانسیون ها و اجلاس های مربوط به حقوق بشر یا مسائل بشردوستانه به طور بسیار زیرکانه و منافقانه، دستاویزی برای مشروعیت بخشیدن به قلدرها و باج خواهی های آن ها شده است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۴۰) این مسئله به شدت در برابر جمهوری اسلامی پی گیری می شود. دشمنان انقلاب اسلامی نیز «در بعد سیاسی می کوشند نظام اسلامی را با نظریات سیاسی و با ترفندهایی چون حقوق بشری به محاصره درآروند و مشروعیت سیاسی نظام را زیر سؤال ببرند» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۹۸)، اما هیچ ملتی به اندازه ملت ایران، قدرت نقش آفرینی در زمینه توسعه دموکراسی، حقوق بشر و عدالت را ندارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵ ب)

### ۲-۴. تهاجم سیاسی و حقوقی غرب علیه رعایت حقوق بشر در ایران

قدرت های بزرگ با توجه به مشکلات عدیده ای که خود در حوزه حقوق بشر دارند، ولی جامعه ایران را به بی توجهی به مؤلفه های کرامت انسانی و حقوق شهروندان محکوم می کنند. آیت الله شاهرودی در خصوص این مسئله چنین تشریح می کنند: «محورهایی که خیلی مورد تهاجم قرار می گیرد، بحث های حقوقی از جمله حقوق بشر، حقوق زن، حقوق شهروندی و حقوق اقلیت هاست. این امور آماج انتقادات و اشکال ها و ایرادهای آن ها علیه نظام ماست. دفع این شبهات و دفاع از نظام حقوقی اسلام با پاسخ علمی، فنی و مطابق با مبانی حقوقی قابل فهم برای جهان مدرن، مسئله بسیار مهمی است. نه قوه قضاییه در این زمینه کار مؤثری کرده، نه وزارت خارجه و نه سازمان تبلیغات. این مورد جای کار بسیاری دارد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۳۸)

از دیدگاه آیت الله هاشمی شاهرودی، تهاجم غرب در خصوص عدم رعایت حقوق شهروندان توسط نهادهای حاکمیتی ایران، یک مقوله سیاسی بوده و واقعیت خارجی ندارد. نهادهای بین المللی حقوق بشر براساس رویکردهای سیاسی به ارائه گزارش های خلاف واقع همت می کنند که پایه و اساس حقیقی ندارد. «مسائلی را که کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل علیه کشور ما ارائه می دهد، بیشتر جنبه سیاسی داشته و واقعاً این طور نیست که در کشور ما، حقوق شهروندی رعایت نمی شود. کشورهای هم جوار ما و بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، خیلی بیشتر حقوق شهروندی را زیر پا می گذارند، اما آن ها را محکوم نمی کنند، ولی ما را محکوم می کنند. محکوم کردن و محکوم نکردن



کمسیون حقوق بشر، همواره دلایل سیاسی داشته است که به شرایط سیاسی در هر مقطعی مربوط می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۳۹-۳۸)

### ۳. حقوق شهروندی و انسانی در گفتمان انقلاب اسلامی

۳-۱. تطابق انقلاب اسلامی و ایده‌های نظام جمهوری اسلامی با حقوق اسلامی و انسانی  
منافع و مسائلی که در مکتب اسلام مطرح است، خیلی مهم و عظیم است. اسلام حقوق مردم را خیلی بهتر حفظ کرده است تا آنچه که در دنیا ادعایش را می‌کنند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ج: ۱۰۸) به تعبیری دیگر، پاسخ‌های درست به نیازهای بشر در مکتب اسلام ناب است و انقلاب اسلامی ایران، آموزه‌های اسلام را احیا کرده و به شکل قانون درآورده و این حقوق عامه و کرامت انسانی که در قانون اساسی ایران آمده، متخذ از اندیشه اسلام ناب است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ج: ۴۳) باید توجه داشت که مبدا و مبنای انقلاب اسلامی در حقیقت خواست و اراده مردم بود که با رهبری امام راحل هدایت شد و با شیوه‌های صددرصد مدنی و مبتنی بر حقوق و آرمان‌های ملی شکل گرفت. شاید هیچ انقلابی از این جهت مثل انقلاب اسلامی نباشد که این قدر مردمی باشد و عامه میلیونی مردم کشور، پشتیبان آن باشند. این انقلاب مطابق دقیق‌ترین و عالی‌ترین مبانی حقوق بشری بود. برعکس، دشمنان انقلاب اسلامی سعی کردند از شیوه‌های ضد حقوق بشری علیه انقلاب استفاده کنند و دست به ترور و مداخله زدند. رهبری انقلاب اسلامی، مبنا و ایده‌های نظام جمهوری اسلامی، متکی بر حقوق اسلامی و انسانی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به سرعت نهادهای حکومت مردم‌سالار، یکی پس از دیگری شکل گرفت و برنامه‌ریزی برای توسعه کشور آغاز شد و در این مسیر، تمام منش و مبنا و روش‌ها بر حفظ حقوق انسان‌ها بوده است. این‌ها نشان می‌دهد که احترام به حقوق انسان‌ها در روح این نظام، نهفته است. سنگ بنای انقلاب اسلامی ایران، حقوق مردم است و مبدا و پیدایش آن هم، حرکت و جوشش خود مردم بوده است، نه قدرت‌طلبی. در مرحله بنیان‌گذاری ارکان و نهادهای نظام جمهوری اسلامی در همه بخش‌ها، حقوق ملت، سنگ بنای اصلی انقلاب بوده و هست. یکی از ارزش‌ها، پاسداری از حق و حقوق ملت است. اساساً معنای حکومت و سیاست و مدیریت در فرهنگ اسلامی، خدمت به مردم است. منشاء اقتدار جمهوری اسلامی همین است و منشاء ضعف و آسیب‌پذیری حکومت‌های دیگر، بی‌اعتنایی به مردم است. مردم در نظام اسلامی نقش مهمی دارند. در قانون اساسی، بسیاری



از نهادهای اصلی حاکمیت با آراء مردم تعیین می‌شوند. ریاست قوه مجریه، نمایندگان مردم در قوه مقننه و اعضای شوراها، طبق قانون اساسی با آراء مردم انتخاب می‌شوند. پس اولاً مردم چنین اثر مهم و تعیین‌کننده‌ای در حاکمیت سیاسی جامعه دارند و ثانیاً، بر مبنای فرهنگ سیاسی اسلام، مردم در حاکمیت اسلامی جایگاه خاصی دارند. حاکمیت اسلامی با حاکمیت‌های استبدادی تفاوت جوهری دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۱۶-۱۴)

### ۲-۳. اصل «همه‌جانبه بودن» حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران

حقوق شهروندی در نظام سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مصداق یک نظام مطلوب اسلامی، «حقوقی همه‌جانبه» است. به عبارتی، دغدغه‌های رهبر انقلاب اسلامی، قانون اساسی، قوانین عادی و بخش‌نامه‌هایی که صادر شده، نشانگر اهمیت حقوق شهروندی در زوایای مختلف تشکیلات امنیتی و انتظامی است و سعی می‌شود این حقوق مورد تضییع قرار نگیرد. اگر هم به جهت بی‌نظمی یا فقدان امکانات، رخوتی در احیاء این حقوق دیده شود، مقام رهبری به موضوع توجه نموده و در خصوص آن فرمان و دستور می‌دهد. این امر، طبیعت نظام اسلامی ایران - که یک نظام مبتنی بر عدالت، کرامت انسان و حفظ حقوق انسان‌ها و شهروندی است - می‌باشد و ماهیت خود را در این می‌بیند که این حقوق را در همه ابعاد حتی بعد اقتصادی ارائه دهد. باید به این مسائل هم در قوانین مصوب و هم در ساختارهایی که تشکیل می‌شود، توجه کرد تا این حقوق تضییع نشوند. این موضوع نیز نظام قضایی و حاکمیت اسلامی را از دیگر نظام‌ها ممتاز می‌کند. بیش‌ترین ضربه نیز زمانی به نظام اسلامی وارد می‌شود که حاکمان، قضات، مسئولان و مدیران اجرایی در هر بخشی، این حساسیت را از دست بدهند و در ساختارها و تشکیلات تنها به حاکمیت توجه شده و مردم جایگاهی نداشته باشند. این جاست که قوای مقننه، مجریه و قضاییه باید در رابطه با حفظ حقوق شهروندی، دنبال یک برنامه‌ریزی ویژه باشند و به آن توجه نمایند. باید این حساسیت ایجاد شود که در کل بدنه قوای حاکمیت، اولین چیزی که مدنظر قرار می‌گیرد، حفظ حقوق مردم باشد و فقط به فکر قدرت دستگاه و سازمان قضایی نباشند؛ ولی وقتی تشکیلات، اداره، وزارت‌خانه و دادگستری ناخودآگاه ایجاد شود، خود به خود امکانات، قوانین و ملزومات طوری تنظیم می‌گردند که این تشکیلات دارای اختیارات زیادی می‌شوند و هنگامی که تخلفی صورت گیرد، مطلق نگاه کردن به این بخش، منجر به تضییع حقوق افراد می‌شود و این خلاف حقوق شهروندی است. باید دقت شود که حقوق مردم، حداقل در حد ضروری حفظ گردد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۷۰-۶۹)





### ۳-۳. مصداق‌های حقوق شهروندی در نظام قوانین جمهوری اسلامی ایران

براساس بیانات آیت‌الله شاهرودی در کتاب «حقوق شهروندی»، بخش‌نامه‌ها و دستورات نشان می‌دهد که نظام قضایی ایران، به حقوق شهروندی توجه ویژه دارد. حق دادرسی عادلانه، حق دفاع و استفاده از وکیل، رعایت کرامت افراد در دستگاه قضایی، ممنوعیت شکنجه و هتک حیثیت افراد، کاهش استفاده از بازداشت موقت و نگاه اصلاحی به زندانی، از جمله حقوق شهروندی افراد است که در قانون اساسی و قانون حفظ حقوق شهروندی به آن اشاره شده است. یکی از وظایف قوه قضاییه، حمایت از حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آزادی‌های مشروع افراد است. این که مسئولان خود را مصون از انتقاد بدانند یا حاکمیت برای خود امتیازاتی قائل شود، قطعاً حقوق شهروندی قربانی می‌شود. در ادامه، چند نمونه از موارد حقوق شهروندی در قوانین ایران که آیت‌الله شاهرودی به آن‌ها اشاره داشته است، بیان می‌شوند:

#### ۱-۳-۳. دادرسی عادلانه

یکی از مهم‌ترین عناوین حقوق شهروندی، حق دادرسی عادلانه و دسترسی آسان و همگانی به آن است. این که انسان‌ها بتوانند در جامعه وقتی ظلمی به آن‌ها شد، هم دسترسی آسان به دادرسی داشته باشند و هم آن دادرسی، دادرسی عادلانه باشد، موضوع بسیار مهمی است. این موضوع در نظام حقوقی ایران شکل گرفته و وسعت و تنوع دادرسی‌هایی که در نظام قضایی و دادرسی جمهوری اسلامی وجود دارد، بی‌نظیر است. در قانون به دادرسی‌های قضایی و محکمه‌ای، دادرسی شوراهای حل اختلاف و دادرسی تحکیمی اشاره شده است. هم‌چنین دادرسی براساس داوری وجود دارد که تشکیلاتش در حال شکل‌گیری است و همین دسترسی آسان باعث توسعه دادرسی عادلانه می‌شود.

#### ۲-۳-۳. حق دفاع و حق استفاده از وکیل در دعاوی

عنوان دیگر در رابطه با حقوق شهروندی، حق دفاع و حق استفاده از وکیل در دعاوی است و در سیاست‌های مصوب قوه قضاییه و در آیین دادرسی به‌طور صریح به استفاده از وکیل اشاره شده است. در همین قانون، احترام به آزادی‌ها و حفظ حقوق شهروندی تصویب و در بخش‌نامه‌های گوناگون بر آن تأکید شده است. تشکیلات و ملزوماتی که ایجاد شده، بحث قانون وکلا و ماده ۱۸۷، کمک بزرگی به توسعه بحث وکالت و کارشناسی کرده است.





### ۳-۳-۳. حفظ کرامت انسانی

رعایت کرامت افراد در دستگاه قضایی و حفظ حرمت انسان‌ها نیز در قانون حفظ حقوق شهروندی ذکر شده است.

### ۳-۳-۴. ممنوعیت استفاده از شکنجه

موضوع ممنوعیت استفاده از شکنجه و حیثیت و حرمت کسانی که به حکم قانون بازداشت شده‌اند، هم در قانون اساسی و هم در قانون احترام به آزادی‌ها و حفظ حقوق شهروندی آمده است. حق قانون حفظ حقوق کاهش استفاده از بازداشت موقت نیز در بند ۵ حقوق شهروندی بیان شده است. حقوق زندانی، اصلاح مجرم و نگاه اصلاحی به زندانی هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی و بخش‌نامه‌ها آمده است.

پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان نیز به عنوان حقی از حقوق عامه، در قانون اساسی مورد توجه واقع شده است.

### ۳-۳-۵. حقوق خانواده

توجه ویژه به حقوق خانواده و اطفال در رسیدگی‌های حقوقی و قضایی، از ویژگی‌های قانون اساسی است. قانون [دادگاه] اطفال، قانون بسیار خوبی است که در دادگاه اطفال تدوین و تصویب شده و لایحه مربوط به آن نیز در قوه قضاییه به تصویب رسیده است. قانون حمایت از خانواده هم تدوین شده و لایحه قضایی آن در دولت به تصویب رسیده است. عنایت ویژه‌ای که به ساختار دادگاه اطفال می‌شود، مسئله بسیار مهمی است که بخشی از حقوق شهروندی در بعد قضایی را شامل می‌شود.

### ۳-۳-۶. تفهیم اتهام متهم و داشتن وکیل تسخیری

حق تفهیم اتهام متهم و داشتن وکیل تسخیری، در آیین دادرسی ما مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳-۳-۷. حق علنی بودن محاکمات

به حق علنی بودن محاکمات، در قانون اساسی اشاره شده است؛ مگر آن‌که قاضی احساس کند این امر خلاف مسائل امنیتی است یا طرفین دعوا خود حاضر به قبول این موضوع نشوند.

### ۳-۳-۸. ممنوعیت تفتیش عقاید و دخالت در حریم خصوصی

ممنوعیت تفتیش عقاید و دخالت در حریم خصوصی افراد، یکی از اصول قانون اساسی ایران است که این موضوع در قوانین عادی تا اندازه زیادی مورد توجه قرار گرفته و تصویب شده است. (هاشمی

شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۶۹-۷۱)



#### ۳-۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی حافظ حقوق بشر

قانون به‌عنوان معمار ساختارهای اجتماعی، ابداع‌کننده چارچوب‌های تشریح مساعی در زمینه‌های گوناگون و هنر والای صحبت کردن با آیندگان و ضامن بیرونی تحقق حقوق و تکالیف انسان‌ها در فرایند تعاملات اجتماعی و تنظیم‌کننده تعادل جوامع است. (جمشیدی، ۱۳۸۸)

در این زمینه، احیای حقوق عامه و حمایت از حقوق شهروندی، از مقاصد بسیار بلند و اصلی نظام جمهوری اسلامی است که هم در فقه و هم در قانون اساسی به آن‌ها تصریح شده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ پ: ۳۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ ت: ۳۲) به یک معنا، در قانون اساسی همه چیز راجع به حقوق مردم هست، ولی همه آن مقید به مشروع بودن است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۶۰) بر اساس باور هاشمی شاهرودی، «حکومت دینی در عین دارا بودن پرتو عدالت‌خواهانه و ارزشی، از همه دستاوردها و تجارب بشری هم استفاده می‌کند. در یک جامعه دینی پیشرفته، هم اصالت‌های دینی محفوظ است و هم از دستاوردهای علمی به بهترین وجه استفاده می‌شود. قانون اساسی این نظام، برگرفته از اسلام است و به‌گونه‌ای تنظیم شده که حقوق اساسی جامعه را بر اساس مبانی اسلامی حفظ کند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۷)

ایشان در خصوص ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کنند: «در قانون اساسی شاید بیش از ۱۴۰ اصل داشته باشیم که در آن‌ها بحث حقوق مردم، حقوق عمومی، حقوق شهروندی و حقوق عامه مطرح شده است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۱۰) ایشان هم‌چنین در هماهنگی قانون اساسی و حقوق بشر تأکید می‌کنند: «ما معتقدیم که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حقوق اصلی و اساسی انسان‌ها به بهترین شکل با آرمان‌ها و مقاصد اسلامی تلفیق شده است. حقوق بشر یکی از ارکان قانون اساسی ماست، ولی در تفصیلات و مصادیق آن ممکن است با آنچه که در اروپاست، اختلاف داشته باشد که این اختلاف هم طبیعی است. نسبت به موضوع حقوق زنان، قانون اساسی و دیگر قوانین ما، برای زنان تمام حقوق سیاسی و اجتماعی لازم را برابر مردها دیده‌اند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۸۴-۱۸۳) بنابراین، ابزارها و مکانیسم‌هایی در خود قانون اساسی برای این کار در نظر گرفته شده است. هرگونه تعقیب، پی‌گرد، کشف و دستگیری که مقدمه اثبات جرم یا جلوگیری از تحقق جرم است، ضمن اصول دیگری از قانون اساسی که مربوط به قوه قضاییه است، آورده شده است. این‌ها در حقیقت تأمین‌کننده امنیت و موجب سالم‌سازی جامعه و ایجاد امنیت شهروندی برای شهروندان



جامعه از جرایم، بزه‌ها، تعدی‌ها و خلاف‌ها است. ابزار ایجاد امنیت نیز به شکلی منظور شده است. تشکیلات ضابطین، یکی از ابزارهای مهم این کار است. مسائل مربوط به زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، بازداشت، تعقیب و پی‌گیری و کشف و امثال این‌ها، همه در همین مورد است. تشکیلات نظارتی که در فصل هفتم قانون اساسی که مربوط به قوه قضاییه است، قرار داده شده، باز در حقیقت از مکانیسم‌ها و ابزارهای همین کار است. سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری، نهادهای نظارتی هستند که در اختیار قوه قضاییه قرار دارند و در حقیقت ناظر بر این هستند که حقوق مردم مورد تعدی قرار نگیرد و اگر کسی تظلمی حتی از دستگاه‌های اجرایی و حکومتی داشته باشد، بتواند مراجعه و دادخواهی کند. نظارت‌های دیگری که در مجموع در لابه‌لای اصول قانون اساسی یا قوانین عادی به قوه قضاییه سپرده شده، همه در حقیقت برای رسیدن به امنیت جامعه از جرایم و بزه‌کاری و ایجاد یک جامعه سالم از جرم و بزه است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۶۰-۱۵۹)

توضیحات فوق نشان می‌دهد حقوقی که در قانون اساسی آمده، همان حقوقی است که مورد قبول اسلام می‌باشد و امروزه در بسیاری از مجامع حقوقی و نظام‌های اجتماعی دنیا، اصل آن پذیرفته و به عنوان حقوق شهروندی، حقوق عامه افراد یا هر عنوان دیگری مورد قبول واقع شده و کلیت آن مورد اشکال قرار نگرفته است، بلکه آنچه که مشکل امروز کشورهاست، از قبل وجود داشته و اختلافی در اصل این عدالت و حقوق نیست؛ گرچه در مقدار و نوعش اختلاف زیادی وجود دارد و بیشترین مشکل و چالش در مقام اجرا است؛ به این معنا که این حقوق در مقام اجرا در جامعه تضییع می‌شوند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۱۶)

#### ۴. ملزومات حقوق شهروندی و انسانی در نظام سیاسی اسلام

##### ۴-۱. احیای کرامت انسانی با عدم تضییع حقوق شهروندی

رهایی و آزادی از غل و زنجیرهای درونی و بیرونی و حفظ کرامت انسانی، یکی از ارزش‌های اصیل مکتب اسلام و مشخصه‌های اصلی جامعه اسلام است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ج: ۱۰۷) آیت‌الله شاهرودی اعتقاد دارد که اصل راهبردی در حقوق شهروندی و حقوق انسانی، رعایت اصل کرامت است و احیای این اصل نیازمند توجه قوای حکومتی در تأمین حقوق افراد می‌باشد. به همین دلیل است که «وقتی تشریفات قضایی به گونه‌ای باشد که مراحل دادرسی را طولانی کند، حقوق افراد تضییع



می‌شود. مسائل امنیتی و انتظامی نیز خیلی وقت‌ها این حقوق را از بین می‌برد. اگر شکل مسائل انتظامی به‌گونه‌ای باشد که تحت عنوان امور انتظامی و امنیتی برخوردهایی شود که بیش از اقتضای مسئله باشد، حقوق شهروندی تضییع می‌شود. انقلاب اسلامی ایران برای احیای حقوق شهروندی آمده است. اگر حکومتی تحت عنوان حفظ امنیت مسئولان و امنیت‌های اجتماعی، این حقوق را پایمال کند، دیگر حکومت اسلامی نیست. اصل، کرامت انسان‌هاست و سایر مسائل باید در خدمت احیای کرامت باشد. حقوق انسان‌ها قطعاً در تقابل با حقوق اجتماعی و حاکمیت قرار می‌گیرد و این جاست که مشخص می‌شود حاکمیت چقدر به حقوق انسان‌ها اهمیت می‌دهد. در مواردی نیز حقوق شهروندی در تشریفات اداری و اجرایی و حتی قانونی پایمال می‌شود. وقتی تشریفات قضایی به‌گونه‌ای باشد که مراحل دادرسی را طولانی کند، حقوق افراد تضییع می‌شود. مسائل امنیتی و انتظامی نیز خیلی وقت‌ها این حقوق را از بین می‌برد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۷۴) ایشان اصل کرامت در مردم‌سالاری دینی را با عبارت «انسان‌سالاری» توصیف می‌کنند و در این خصوص می‌فرمایند: «در اسلام، آزادی داده شده است، ولی برای آن حد قرار داده شده و آن انسان‌سالاری است؛ یعنی در اسلام، انسان و کرامت انسان، برتر از عوامل دیگر دیده شده است. اصل، کرامت انسان است، از این‌رو اگر آزادی شکلی و قانونی طوری مورد استفاده و دستاویز گروه‌ها یا افرادی در جامعه قرار گرفت که بخواهد به کرامت انسانی آسیب بزند، بخواهد اصالت انسان را محدود کند و نقش عوامل مادی دیگر را تقویت و آن‌ها را حاکم کند؛ این آزادی مورد قبول نیست. مردم‌سالاری اسلامی در چهارچوب ارزش‌سالاری است؛ به این معنا که ارزش‌های اصلی اسلام، عدالت اجتماعی، حفظ حقوق عامه، عدم تبعیض در جامعه، نفی ظلم و ستمگری، ارزش‌هایی است که از اصول اهداف و آرمان‌های اصلی اسلامی و الهی است که همه انبیاء و اولیاء در تاریخ متمدن بشری، دنبال این بودند و عمر خود را صرف احیا و پیاده کردن این ارزش‌ها در جوامع بشری کردند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۶)

#### ۲-۴. توجه به حقوق ملت در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری براساس آموزه‌های اسلامی

احیای درست حقوق ملت، تضمین این حقوق برای آینده و توسعه آن، وظیفه نظام سیاسی است. حقوق عامه خیلی توسعه یافته و اگر بخواهیم حقوق عامه را از دیدگاه قانون اساسی ایران که دیدگاه اسلام است، تأمین و تضمین کنیم، نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و ایجاد تشکیلات مناسب و تصویب لوایح و قوانین متناسب دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۵۷) در عین حال، هر کشوری نیز آیین دادرسی



کیفری دارد که می‌تواند معرف میزان اعتبار و ارزشی باشد که جامعه برای حقوق و آزادی‌های افراد قائل است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ ب) انقلاب برای حفظ حقوق مردم و برپایی عدالت اجتماعی و برپایه خدمت به مردم و پاک‌سازی کشور از ظلم‌های رژیم طاغوتی بوده است. هدف، برپایی جامعه و حکومتی بود که مردم در آن احساس آرامش و آزادی کنند. بحث اصلی این است که مدیران در همه بخش‌ها و در همه مراحل سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی، باید این دو عامل را همواره در نظر داشته باشند. وقتی می‌خواهند برنامه‌ریزی کنند، عملاً برنامه برخلاف اسلام نباشد. این که در اصل چهارم قانون اساسی ما آمده است که هیچ قانونی نمی‌تواند برخلاف اسلام باشد و این اصل بر تمام اصول دیگر قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است، اشاره به همین مبناست. در اجرا هم همین طور است و این عامل باید مدنظر باشد. سیاست اجرایی چه در دستگاه اجرایی و چه در دستگاه قضایی باید متناسب با اسلام باشد. هم‌چنین، هیچ سیاست اجرایی نباید برخلاف مصالح مردم باشد یا به گونه‌ای باشد که بر وضع زندگی مردم تأثیر سوء داشته و احساس محرومیت و مظلومیت کنند یا قابل درک برای مردم نباشد و در ذهن مردم شبهه ایجاد کند. مدیریت اسلامی باید قدرت اقناع عمومی داشته باشد و مردم کلیت رفتار مسئولان و مدیران جامعه را مناسب ببینند و گرنه عامل بسیار مهم حضور مردم در صحنه و آمادگی آنان و ایمان و اعتقاد آن‌ها به مسئولان و مدیران اجتماعی سست می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۵۳-۵۲)

### ۳-۴. امنیت حقوقی لازمه تعالی حقوق انسانی و شهروندی در جامعه

در کتاب «امنیت» آمده است: «امنیت، حق اولیه مردم است و یکی از وظایف مهم و اساسی مسئولان یک نظام، تحقق بخشیدن به این حق اولیه عمومی است. امنیت یکی از اهداف و مقاصد اصلی حکومت اسلامی و از حقوق اصلی مردم است. حق اساسی مردم است که امنیت جانی، امنیت مالی و امنیت ناموسی داشته باشند. حریم جامعه اسلامی باید حریمی پاک و طیب و طاهر باشد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ج: ۹) عدالت، حقوق و امنیت، از نیازهای اصلی جامعه و وظایف ذاتی دستگاه قضایی است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ الف: ۱۰) البته باید مرزی بین عدالت و امنیت وجود داشته باشد. حاکمیت نمی‌تواند تحت عنوان امنیت، حقوق افراد را نادیده بگیرد و عدالت نباید قربانی امنیت شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۱۱) در نقطه مقابل، حمایت از حقوق شهروندی، منجر به ایجاد امنیت می‌شود. هاشمی شاهرودی در تبیین این مسئله اشاره می‌کند: «حمایت از حقوق شهروندی باعث ایجاد امنیت برای افراد اعم از امنیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فکری و... می‌شود. مردم وقتی می‌خواهند موفقیت دستگاه قضایی را



ارزیابی کنند، نگاه می‌کنند که در محل خودشان چقدر امنیت برقرار شده و شرارت‌ها و دزدی کمتر شده یا این‌که چقدر دستگاه‌های دولتی از حقوق آنان حمایت کرده‌اند. دستگاه قضایی باید طوری برنامه‌ریزی و عمل کند که مردم این حمایت و امنیت را احساس کنند. وقتی ما می‌گوییم عدالت، مردم بایستی آن را حس کنند. ما در ذهن خودمان عدالتی درست کرده‌ایم، ولی اگر مردم بگویند ظلم است، معلوم می‌شود یک جای کار اشکال دارد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۳۲؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۶)

در این راستا، امنیت حقوقی یکی از ملزومات تحقق حقوق شهروندی و رعایت حقوق انسانی در جامعه خواهد بود. هاشمی شاهرودی در باب این مسئله اشاره می‌کند: «امنیت حقوقی یعنی امنیت مردم در احقاق حقوق خود که نیاز دارد قوانین طوری تنظیم شود که حقوق مردم را هر چه دقیق‌تر، عادلانه‌تر و تضمین شده‌تر، تأمین کند. هم قوانین محتوایی باید به‌گونه‌ای تدوین و تصویب شود که امنیت قضایی و حقوقی را برای دستگاه قضایی و آحاد مردم حفظ کند و هم قوانین شکلی و آیین‌های دادرسی که ساختار و اختیارات دستگاه قضایی را ترسیم و تنظیم می‌کنند، باید به‌گونه‌ای باشد که حافظ امنیت حقوقی و قضایی باشند. اگر قوانین تصویب شده، چه در بخش محتوایی و چه در بخش شکلی، طوری باشد که مانع رسیدن مردم به سرعت و با اطمینان خاطر به حقوق خودشان باشد، امنیت قضایی برای آحاد افراد جامعه در کار نخواهد بود. قهراً باید قوانین محتوایی و قوانین شکلی و ساختار تشکیلات قضایی و شرایط گزینش قضات با دیدی تنظیم شود که برای آحاد مردم امنیت قضایی ایجاد کند. هر کس حقی یا مرافعه‌ای داشته باشد، باید بتواند با خیال راحت و اطمینان خاطر و احساس امنیت، شکایت خود را عرضه کند و مطمئن باشد که این حق بدون هیچ‌گونه اعمال فشار و تحمیلی به او خواهد رسید؛ مهم آن است که ما بتوانیم این حالت امنیت حقوقی و قضایی را در جامعه ایجاد کنیم، به طوری که همه افراد احساس امنیت حقوقی و قضایی کنند. امنیت فرهنگی نیز بخشی از امنیت عمومی جامعه است که باز متأثر از قوانین و مقررات مربوطه است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۱۵۷) اگر بخواهیم نظام ایده‌آل اسلامی که ضامن عدالت، امنیت و حقوق مردم است را داشته باشیم؛ باید دستگاه قضایی از ضوابط و شرایط اسلامی به‌طور دقیق پیروی کند و آن‌ها را به شکلی نهادینه و نظام‌مند به اجرا درآورد. از طرف دیگر، نهاد وکالت نیز همین‌گونه است و به اندازه دستگاه قضاوت اهمیت دارد؛ چون با جان، مال، ناموس، حیثیت و حقوق مردم ارتباط دارد؛ از این‌رو احراز و استمرار شرایط اسلامی وکالت نیز باید نهادینه شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸: الف-۴۶-۴۵)



۴-۴. فرهنگ‌سازی رعایت حقوق شهروندی در راستای استحکام مردم‌سالاری دینی مردم‌سالاری دینی فراتر از دموکراسی غربی با بار حقوقی و سیاسی آن است. مردم‌سالاری دینی که مفهومی نو و برگرفته از فرهنگ اسلامی است، ناظر به وظایفی است که مسئولان نظام نسبت به مردم دارند؛ این به معنای «عشق به مردم»، «خدمت به مردم» و «دغدغه درد و رنج مردم را داشتن» است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۳: ۷۵) در این جامعه باید حرمت و کرامت انسانی و حقوق شهروندی حفظ شود. این‌ها بحث‌های شعاری نیست. مراعات این حقوق بایستی در جامعه ما فرهنگ بشود، هیچ ضرری هم به هیچ‌جا نمی‌زند. کسی که خیال می‌کند احیای حقوق شهروندی مثلاً امنیت سیاسی و دستگاه‌های امنیتی را تضعیف می‌کند، اشتباه می‌کند، دستگاه‌های امنیتی در سایه حفظ این حقوق تقویت می‌شوند و بهتر می‌توانند کار خودشان را انجام بدهند. مردم پایه اصلی حکومت اسلامی هستند، با احیای این حقوق شهروندی، اقتدار نظام بیشتر می‌شود، مردم‌سالاری در نظام ما مستحکم‌تر می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۳۲-۳۱) از این رو، «تکریم ارباب رجوع و حفظ حقوق شهروندی»، نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۳۱)

#### ۴-۵. اجتهاد پویا و پاسخ‌گویی به شبهات حقوق شهروندی در نظام اسلامی

متون فقهی اسلامی برای حکومت و قانون‌گذاری تنظیم نشده است، بلکه در چهارچوبی خاص و برای هدف دیگری تنظیم شده است. تطبیق آن‌ها بر قالب‌های حقوقی امروز و استخراج سیاست‌های کیفری و جنایی و سیاست‌های حقوقی اسلام، نیاز به اطلاعات گسترده حقوقی و فقهی دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۱: ب: ۱۶)

در کتاب اندیشه سیاسی در خصوص اهمیت نظریه‌پردازی حقوقی و سیاسی نظام اسلامی برای جامعه جهانی آمده است: «هم اکنون وقت نورافشانی و ثمردهی این نظام است. فرهیختگان ما باید ایده‌های برتر و اندیشه‌های اسلامی اهل‌بیت را در بعد نظریه‌پردازی در قالب‌های امروز تدوین و عرضه کنند و در بعد عملی به اجرا درآورند. یکی از این ابعاد، حقوق و قضاست. امروزه جهان اسلام تشنه آن است که اندیشه‌ها و افکار حقوقی و سیاست‌های حقوقی و قضایی نظام ما را بداند و از آن استفاده کند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ج: ۴۱)

در کتاب قانون و قانون‌گذاری، پیرامون این مسئله بیان می‌کنند: «ما برای نظریاتی که متکی بر ابتکار و علم و تحقیق باشد، چقدر ارزش قائلیم. طرح‌های ما باید طبق شرایط روز و آخرین داده‌های علم در





هر رشته‌ای تنظیم شود، به خصوص این که ما ادعا داریم می‌توانیم یک دستگاه حقوقی و قضایی کامل و مدرن را از متن فقه اسلام استخراج و تدوین کنیم. این نیازمند ابتکار و تحقیق متکی بر علم است و نه فقط شعار.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۱ ب: ۵۸)

آیت‌الله شاهرودی اعتقاد داشتند که مدیریت حکومت اسلامی، باید منطبق با ضوابط اسلام ناب باشد و از مسلمات اسلام و از آنچه روح اسلام اقتضای آن را دارد، خارج نشود. در مدیریت‌ها باید اسلام اجرا شود، نه چیزی که برچسب اسلامی به آن زده شده، ولی واقع آن برگرفته از این طرف و آن طرف یا برداشت‌های غیردقیق و استنباطات ناقص برخی اشخاص از دین است. در مدیریت حکومت اسلامی، سیاست‌ها و تعالیم نورانی اسلام نباید بازیچه مصلحت‌اندیشی‌ها شود و از طرفی یک اسلام خشک غیرقابل اجرا که شکل و قالب آن برگرفته از گذشته و مربوط به آن شرایط زمانی و مکانی است. عنصر زمان و مکان هم در قالب‌ها و شیوه‌های اجرا کردن اسلام مؤثر است و هم در استنباط احکام، البته زمان و مکان در خود احکام مؤثر نیست و حکم خدا را تغییر نمی‌دهد. این از مسلمات فقه شیعه است، ولی در سیاست‌ها و نظامات اجرایی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و نیز در برداشت‌ها و استنباطات فقهی مؤثر است. وقتی شرایط جدیدی به وجود می‌آید و پدیده‌های اجتماعی و روابط حقوقی جدیدی در جامعه پیدا می‌شود، برداشت فقیه از منابع اجتهادی و فقه‌های در موارد بسیاری تغییر می‌کند و بعد جدیدی را می‌بیند که دیده نشده بود. وظیفه ما این است که بتوانیم اسلام ناب را با حفظ ناب بودن و اصیل بودن و اعتقاد به حقانیت مطلق آن و پرهیز از التقاط، اجرا کنیم و از طرفی دیگر، شرایط فعلی جامعه را به درستی تشخیص دهیم و با توجه به این شرایط و روابط جدیدی که ایجاد شده، از شیوه‌ها و ابزارهای مدرن استفاده شود و اجرای احکام و قوانین اسلام به گونه‌ای نباشد که برچسب ارتجاع و عقب‌افتادگی به آن بزنند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ث: ۲۵-۲۳)

با توجه به توضیحات فوق، در مقابل تهاجم غرب علیه سیاست حقوق بشر در جمهوری اسلامی و سایر نظام‌های اسلامی، لازم است از توانمندی و پویایی اجتهاد و فقه بهره‌گرفت و براساس باز بودن باب اجتهاد در اسلام، ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده در خصوص حقوق شهروندی در نظام اسلامی را مدنظر قرار داد. آیت‌الله شاهرودی در این زمینه با درایت و توجه به مسائل روز جامعه اسلامی در زمینه حقوق عامه مردم اشاره می‌کنند: «من به باز بودن باب اجتهاد تأکید می‌کنم، چرا که این امر در اصول فقه شیعه برکات زیادی داشته و دارد. بالندگی، تکامل و پویایی فقه و علوم اسلامی خیلی





مفید بوده است. برداشت‌های جدید از دین و نظریه‌پردازی در مقابل شبهات و حفظ میراث اسلامی در همه ابعاد مهم و وسیع، از جمله نتایج باز بودن باب اجتهاد است. مسائل نو در قالب افکار جدید مطرح می‌شود. برخی اشکال و شبهه دارند که پاسخ می‌خواهد، برخی هم فراهای جدیدی هستند که در اجتهاد باز می‌شوند. این چشم‌اندازهای جدیدی که نیاز به حکم فقهی دارند، باید استنباط شوند. حکومت هم در فقه شیعه، امر جدیدی است و مسائل جدیدی دارد و احکام خوش را می‌خواهد. برای همه مسائل جدید می‌شود پاسخ‌های خوب به دست آورد. مدل‌هایی را که در دنیا به دست آمده و تجربه شده را بگیرند با دقت مطالعه کنند. نگویند که چون مال غرب یا ژاپن و کجا است و مال بلاد کفر است، به درد نمی‌خورد. فضلا، فقها، علما و اساتید دانشگاه بنشینند، یکی یکی بررسی کنند تا بهترین‌ها را به دست بیاورند. در مجلس هم قبل از این که بخواهند قانونی را تصویب کنند، باید از این نظرات جدید استفاده و بر پایه آن‌ها قانون تصویب کنند. در این قسمت‌ها، ما نیاز به کار بیشتر و با برنامه از پیش تهیه شده داریم. باید یک نهادی درست کنیم که به‌طور مستمر در کنار نظام و انقلاب، همه این‌ها را آماده کند. مستندات را تهیه کند که هم دولت و هم مجلس و هم قوه قضاییه، استفاده کنند. این کار حوزه و دانشگاه و مسئولینی است که آگاهند و به مسائل اشراف دارند. ما خیلی خوب می‌توانیم به شبهات مطرح شده در خصوص رعایت حقوق شهروندی به‌طور علمی پاسخ دهیم و مبانی حقوق اسلامی نسبت به حقوق شهروندی را تبیین کنیم. اگر هم نتوانیم حرف‌مان را ثابت کنیم، حداقل این نکته را به آن‌ها خواهیم فهماند که احکام ما مبنای حقوقی خود را دارد و بی‌مبنا نیست. حداقل می‌توانیم این را ثابت کنیم که نظام قضایی یا نظام حقوقی اسلام، مبتنی بر دیدگاه‌های مکتبی مشخصی بوده و دارای فلسفه و مبانی اصولی خاص خود است و این دیدگاه‌ها به عنوان یک مکتب برای اندیشمندان قابل تحمل است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۴۵-۴۲)

### ۴-۶. فقه اسلام ضامن کرامت انسانی و حقوق بشر

در یکی از سخنرانی‌های آیت‌الله شاهرودی در خصوص جایگاه حقوق بشر، کرامت انسانی و لوازم رعایت حقوق انسانی توضیح داده شده است که «قانون اساسی ما بسیار مرفعی و عالی و ارزش‌مدار و عدالت‌محور است. در فقه اسلام بر عدالت قضایی و حفظ حقوق و کرامت انسان‌ها تأکید شده است. اصل برائت، اصل توقیفی بودن جرم، بی‌طرفی قاضی و دستگاه قضایی، مساوات بین طرفین در محاکمه و اخلاق و اوصاف قضایی که برای قضات در فقه ما آمده، همه حاکی از تأکید اسلام بر رعایت حقوق

و کرامت انسان است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۴۵)



## ۵. نهادها و حقوق شهروندی

### ۵-۱. رسالت قوای حکومتی و نهادها در تأمین حقوق انسانی

در راستای تحقق اهداف ترسیم شده نظام اسلامی، باید «همدلی و هم‌فکری همه دستگاه‌ها با هم وجود داشته باشد، نه این‌که هر دستگاهی چه قضایی و چه اجرایی، مجزا از دیگری در این مسائل که مربوط به منافع ملی و از حقوق عامه مردم است، تصمیم بگیرد، باید هماهنگ با دستگاه‌های دیگر و با بررسی همه جوانب به‌طور مشترک تصمیم گرفته شود. هر دستگاهی در حوزه اختیارات قانونی خود مستقل است، ولی در این مسائل، باید به‌صورت ملی تصمیم گرفته شود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: پ: ۱۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: پ: ۵۱)

از دیدگاه آیت‌الله هاشمی شاهرودی، یکی از اهداف نظام اسلامی، احقاق حقوق عامه شهروندان و اجرای عدالت برای همگان از طریق ایجاد امنیت‌های قضایی، اجتماعی و اخلاقی است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵: ۲۴) و مشاهده سیره انبیاء الهی نشان می‌دهد که یکی از مسئولیت‌های خطیر آن‌ها، احقاق و تأمین حقوق افراد است که از طریق تلاش‌های اجتماعی و سیاسی، مبارزه و جهاد و ایستادگی برای گرفتن حقوق انسانی انجام می‌شده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱: ۵) به اعتقاد ایشان، «طبیعت نظام اسلامی است که دغدغه بیشتری نسبت به احقاق حقوق مردم و خدمت‌رسانی به مردم و برقراری عدالت داشته باشد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: الف: ۷) منظور از نظام اسلامی در اینجا، تمامی قوا و نهادهای موجود در نظام جمهوری اسلامی است. لاجرم، در شرایط فعلی نیز تأمین امنیت انسانی و حراست از حقوق افراد در نظام سیاسی و حقوقی اسلام، صرفاً مربوط به قوه قضاییه نمی‌شود، بلکه تمامی ارگان‌ها، نهادها و قوای سه‌گانه تکلیف دارند که در جهت تأمین و حراست از حقوق شهروندان فعالیت نمایند.

به تعبیری دیگر، «هریک از سه قوه در بخشی از بخش‌های کشور باید این احساس را داشته باشند که به عنوان خادم مردم، حافظ حقوق شهروندی هستند. در این صورت، کرامت انسان‌ها حفظ می‌شود و نظام مقدس جمهوری اسلامی چه در بعد قضایی و چه در بعد اجرایی به عنوان یک نظام بی‌نظیر و ممتاز، در تمام دنیا مطرح می‌شوند. وقتی نهادهای ذی‌ربط دست به دست هم بدهند و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کنند، موفق خواهند شد. باز تجربه کردیم که بازگشت خیلی از اختلاف‌ها و کشمکش‌ها و ناکامی‌ها به این است که این دستگاه‌ها کارهایشان را با هم هماهنگ نکرده‌اند و هرکدام جدا جدا برای



خود تصمیم می‌گیرند. اگر این دستگاه‌ها یک جا جمع شوند و با استفاده از روش‌های علمی پیشرفته با هم تصمیم‌گیری کنند، خود به خود جلوی خیلی از اختلاف‌ها و درگیری‌ها و فسادها گرفته می‌شود و خیلی از پرونده‌های شهرداری و دادگستری خود به خود کم می‌شود. به این ترتیب دستگاه‌ها با هم هماهنگ می‌شوند، تضادها از بین می‌رود، حقوق شهروندان بهتر حفظ می‌شود و رضایت‌مندی مردم را کسب می‌کنید. رضای خدا در خدمت به مردم است. ایجاد جلسات و کارگروه‌های مشترک میان شورای عالی و دستگاه قضایی ضروری است و باید قبول کرد که حقوق عامه، حقوق شهروندی و امنیت آن‌گونه که در قانون اساسی آمده، تأمین نشده است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۵۰-۴۱)

در یکی از سخنرانی‌های آیت‌الله هاشمی شاهرودی به این مسئله اشاره شده است که حفظ امنیت، جان، مال، ناموس، شرف، حیثیت، عزت مردم و همه حقوق فردی و اجتماعی آن‌ها، یکی از مهم‌ترین تکالیف و مسئولیت‌های حکومت اسلامی است. این که این تکلیف چقدر مربوط به دستگاه قضایی است و چه اندازه مربوط به نیروی انتظامی و سپاه و بسیج و وزارت اطلاعات و وزارت کشور را قانون مشخص می‌کند؛ اما بی‌شک همه این دستگاه‌ها در ایجاد امنیت، وظیفه و تکلیف دارند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۱۲۲) با این منطقی است که مدیران حکومت اسلامی، خادمان مردم و خدمت‌گزاران اسلام هستند که نسبت به نیازهای اساسی و حقوق مردم دغدغه خاطر دارند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۴۵)

همان‌طور که آیت‌الله شاهرودی تأکید دارند: «... در سال ۱۳۶۱ در فرمان هشت ماده‌ای امام (ره)، این مسئله بسیار شفاف و صریح تحت عنوان حقوق انسان‌ها و شهروندی مطرح شد، به‌خصوص در بعد قضایی که به حق، مبنا و پایه حقوق شهروندی است. آنچه در قوانین بعدی، به‌ویژه در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، شکل گرفت، از روح آن فرمان اتخاذ شده بود. بنابراین، با این نگاه به حقوق شهروندی نگرسته می‌شود که حفظ حقوق مردم در این دایره وسیع، تنها در اختصاص دستگاه قضایی نیست و وظیفه همه ارگان‌ها، نهادهای نظام اسلامی و همه قوا است و کل جامعه، مسئول حفظ این حقوق هستند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: الف/۱۱)

توضیحات فوق‌بازتاب دهنده این تفکر هستند که برای تحقق حقوق انسانی، حفظ کرامت انسانی، اجرایی شدن اصول شهروندی در جامعه و دوری از نقض حقوق بشر، به یک عزم جدی در عرصه ملی نیاز است و آیت‌الله شاهرودی در خصوص ضرورت عزم ملی در حفظ حقوق و کرامت انسانی می‌فرمایند: «در قوانین ما نیز بر اصل حفظ حقوق و کرامت انسانی تأکید شده است، ولی با این همه،



در عمل رعایت نمی‌شود. تا یک عزم حقیقی و جدی در همه افراد مسئول، از رأس دستگاه تا شاخ و برگ‌های آن در این زمینه وجود نداشته باشد، این اهداف بلند محقق نخواهد شد. پس از ایجاد چنین عزمی، باید سیاست‌های اجرای این اصل نیز مورد توجه قرار گیرد. احیای این اصل، نیاز به سیاست و ساختار و تشکیلات خاص و نظارت و کنترل‌های خاص خود دارد. بسیاری از اعمال خلاف حقوق و کرامت انسان‌ها از ناحیه دفاتر و تشکیلات اطراف قاضی مانند ضابطین، مدیران دفاتر، مأموران زندان و... انجام می‌گیرد نه خود قاضی. بنابراین در ابتدا همت خود قضات و توجهشان به روح قانون اساسی و روح فقه اسلام و قوانین می‌تواند راه‌گشای رعایت هرچه بهتر حقوق شهروندی و کرامت انسانی باشد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۴۶)

در نهایت این‌که، هماهنگی دستگاه‌ها با هم باعث می‌شود تا تضادها از بین برود، حقوق شهروندان بهتر حفظ شده و رضایت‌مندی مردم کسب شود و باید دانست که رضای خدا در خدمت به مردم است. ایجاد جلسات و کارگروه‌های مشترک میان شورای عالی و دستگاه قضایی ضروری است و باید قبول کرد که حقوق عامه، حقوق شهروندی و امنیت آن‌گونه که در قانون اساسی آمده است، باید تأمین شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۵۰)

### ۲-۵. اهمیت نقش شوراها در حفظ حقوق شهروندی

شوراها در مدیریت اسلامی نیز دارای جایگاه خاصی هستند و در قانون اساسی نیز اصول متعددی بر آن تأکید کرده است. تشکیل شوراها و اداره امور کشور بر اساس شوراهای مردمی، برکات و فواید بسیاری داشته و دارد؛ هم به نفع مردم است و هم به نفع نظام. دو مبنای بسیار مهم برای شوراها وجود دارد؛ نخست مشارکت و نظارت مردم در امور مربوط به خود و حل و فصل مسائل موجود که سبب افزایش احساس مسئولیت، استفاده از استعدادها و ظرفیت‌ها و دلبستگی به نظام می‌شود. مردم در حاکمیت حق سؤال و نظارت دارند. همه مردم در برابر خداوند و مقاصد بلند اسلامی مسئولیت دارند و اگر برای این شوراها به خوبی فرهنگ‌سازی و مدیریت‌سازی شود، حق و حقوق دارای برکات بسیاری است، مثلاً از طریق شوراها حقوق شهروندی مردم بهتر، سهل‌تر و سریع‌تر رعایت خواهد شد تا این‌که همه امور به دستگاه‌های حکومتی واگذار شود. البته در نظام اسلامی، دستگاه‌های حکومتی نیز برخاسته از مردم هستند. چون شوراها از سوی مردم انتخاب شده و به‌طور مستقیم درگیر مسائل خدماتی و رفاهی مردم هستند و درد و نیاز مردم را بهتر و بیشتر درک می‌کنند. آن‌ها سعی دارند مقاصد به‌گونه‌ای تأمین شود



که حقوق مردم نیز حفظ شود. بنابراین شوراها در یک سیستم مدیریت اسلامی، تعادلی ایجاد می‌کنند که دستگاه‌های حاکمیتی، نقض‌کننده حقوق شهروندان نشوند. وظیفه اصلی شوراها باید این باشد که چگونگی حقوق شهروندی مردم در مقابل دستگاه‌های حاکمیتی حفظ شود. حقوق عامه اهمیت فراوانی دارد و ممکن است دستگاه‌ها در قانون‌گذاری و اجرا کمتر به آن توجه کنند. بنابراین یکی از شیوه‌های بهتر حفظ حقوق عامه، شوراها هستند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۷۹-۷۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ج ۳۹-۳۸)

### ۳-۵. نقش وکالت در احقاق حقوق شهروندان

آیت‌الله شاهرودی اعتقاد دارد وکلا از منابع احقاق حقوق هستند و در کتاب «وکالت» پیرامون این مسئله آمده است: «وکلا در حقیقت از منابع احقاق حقوق هستند. هر چه این نهادها منظم‌تر و پیشرفته‌تر احیا شود، حقوق مردم بیشتر حفظ می‌شود و اطمینان مردم به احکام قضایی بیشتر خواهد شد. ضمن این‌که خود احکام نیز مستحکم‌تر، علمی‌تر، دقیق‌تر و صحیح‌تر صادر می‌شود. بحث وکالت از بخش‌های مهم محوری و اصولی در نظام قضایی در هر کشوری است. همان‌گونه که قاضی و دادرس مسئولیت احقاق حق و اجرای عدالت را دارد و بسط عدالت و تحقق اهداف نظام قضایی، بستگی به توانمندی و تعهد قاضی دارد، شاید بتوان گفت به همان نسبت، به وکیل نیز بستگی دارد. طرف دیگر عدالت خواهی، وکلا هستند. وکیل در تحقق یا عدم تحقق عدالت قضایی نقش مهمی دارد، به‌خصوص با قوانین و مقرراتی که نظام دادرسی امروزی دارد، این نقش روز به روز بیشتر می‌شود، در حقیقت وکیل یک نوع قاضی از طرف موکل است در مقابل قاضی حکومتی. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸: الف: ۱۲-۱۱)

### ۴-۵. عملکرد شهرداری‌ها و حقوق شهروندی

حقوق شهروندی ارتباط وثیقی با عملکرد شهرداری‌ها و مسئولان شهری دارد و به اعتقاد آیت‌الله هاشمی شاهرودی، «خیلی از مشکلات مردم در شهر مربوط به شهرداری است. چنانچه در شورای شهر و شهرداری، خوب برنامه‌ریزی شود، قوانین و مقررات مناسبی وضع گردد و هماهنگی با دستگاه‌های دیگر درست انجام بگیرد، خیلی از مشکلات حل می‌شود و می‌توان حقوق شهروندی را به نحو بهتر و گسترده‌تر و عادلانه‌تری که هدف نظام اسلامی است، تأمین کرد. تبلور آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و حقوق شهروندی در زندگی اجتماعی مردم، عمدتاً در همین اموری است که مربوط به شهرداری‌هاست. البته تحقق این اهداف، نیاز به همکاری دستگاه‌های دیگر نیز دارد، چون این امور تنها در اختیار شهرداری نیست. دستگاه قضایی، وزارت مسکن و دستگاه‌های اجرایی دیگر، همه



به نحوی در مسائل مربوط به شهرسازی و شهرداری و مدیریت شهر دخیل هستند و اگر هماهنگی میان آن‌ها نباشد، مدیریت شهر موفق نخواهد شد.

اهداف دیگری که در دنیای امروز از راه نهادهای مدنی شهری مانند شوراهای حل اختلاف مدیریت می‌شود و مسائل فراوان دیگری از این قبیل، اگر بخواهد احیا شود، قطعاً همکاری با شهرداری را لازم دارد. اگر با دید کلان و کلی به این امور نگاه کنیم، نیاز داریم جمعی از نهادها و دستگاه‌هایی را که به شکلی در حقوق شهروندی ذی‌ربط هستند، دور هم جمع کنیم و هیئتی از مسئولان ارشد این دستگاه‌ها تشکیل شود و به بررسی این مسائل بپردازد. در هر بعدی، لازم است سیاست‌ها و راه‌کارها مشخص بشود یا اگر طرحی لازم است، تهیه شود و مقدمات و مستلزماتی که ممکن است این طرح‌ها و سیاست‌ها در اجرا داشته باشد، احصا شده و از راه قانونی فراهم شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۴۸-۴۷)

ایشان معتقد هستند شهرداری بیشتر به عنوان نهادی که از طرف حکومت مسئول گرفتن عوارض است، شناخته می‌شود و این در حالی است که در دنیا این طور نیست، بلکه شهرداری نماینده مردم است برای تنظیم امور شهر و خدمت‌رسانی به مردم با هزینه خودشان. این مسئولیت سنگین و پیچیده، توانمندی، تعهد و تخصص‌های لازم بیشتر از یک وزارت‌خانه را نیاز دارد. حقوق شهروندی مسئله مهمی است و سیاست‌های کلان شهرداری، دستگاه قضایی و سازمان‌های وابسته که ارتباط نزدیکی با مسائل شهری دارند مانند سازمان ثبت، سازمان زندان‌ها و پزشکی قانونی و... باید ضمن هماهنگی در اداره شهرها، مترصد خدمت‌رسانی به مردم و حفظ حقوق عامه باشند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۵۶-۵۵)

## ۶. توسعه سیستم قضایی و حقوق شهروندی

### ۶-۱. قوه قضاییه و مسئولیت احقاق حقوق عامه مردم

به‌طور کلی اشتباه است اگر کسی فکر کند که احیای حقوق عامه، تنها از طریق قوه قضاییه ممکن است. این یک پروسه ملی است که همه نظام باید برای تحقق آن برنامه‌ریزی کند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ب: ۶۲)

البته در میان قوا و نهادهای حکومتی، قوه قضاییه نقش و مسئولیت مهمی در برقراری احکام الهی در حوزه احقاق حقوق مردم، گسترش عدالت و ایجاد امنیت اجتماعی دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ب: ۴۲)

آیت‌الله شاهرودی در باب نقش قوه قضاییه در تأمین حقوق انسانی اشاره می‌کنند: «مغز و روح دستگاه قضایی، احیای حقوق عامه در جامعه و اصلاح مجرمان است.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، الف: ۱۲۹)



البته ایشان تأکید می‌کند که ممکن است اشکالاتی هم در ذهن مردم یا بعضی خواص یا مسئولان نسبت به دستگاه قضایی باشد، اما در نظام قضای اسلامی، اصل بر این است که مردم آن را پناهمگاهی برای احقاق حقوق خود بدانند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۱۵)

## ۲-۶. نقش توسعه همه‌جانبه سیستم‌های بازرسی و نظارت در ارتقاء حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی

تضییع حقوق بشر، علت‌های گوناگونی دارد، اما در نظام جمهوری اسلامی، احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی تصویب شده و در بخش‌نامه‌های فراوان، مجموعه‌ای از عناوین مهم وجود دارد که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان حقوق شهروندی مورد رعایت و حمایت نظام قضایی و حقوقی جمهوری اسلامی به دنیا ارائه داد. قوانین در جمهوری اسلامی به گونه‌ای تدوین می‌شود که این حقوق انسانی را بیشتر تضمین می‌کند. ساختارهای قضایی، انتظامی و امنیتی باید به گونه‌ای تنظیم شود و شکل بگیرد که این حقوق را در جامعه تضمین کند. رویه‌های قضایی، تشریفات اجرایی، تشکیلات و نهادهایی که تشکیل می‌شوند، باید به گونه‌ای باشند که این موارد را رعایت کرده و برای جامعه حفظ نمایند و در این صورت، نظام موفق در حفظ حقوق شهروندی هم به معنای خاص و هم به معنای عام شکل خواهد گرفت. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷) یکی از این نهادهای مؤثر در تأمین و حراست از حقوق بشر و کرامت انسان‌ها، نظام‌های بازرسی و نظارتی در نهادهای حکومتی هستند.

بر اساس اندیشه حقوقی آیت‌الله شاهرودی: «هر قدر که زمینه سلطه و حاکمیت دولت‌ها بیشتر شود، در نتیجه آن، حقوق ملت‌ها و مردم نیز بیشتر در معرض تجاوز و نقض قرار می‌گیرد و همین مسئله لزوم توسعه همه‌جانبه سیستم‌های بازرسی و نظارت بر عملکرد دولت‌ها و حاکمیت‌ها را افزایش داده است. توسعه و توجه جدی به سازمان‌های نظارتی و بازرسی، موجب حفظ حقوق شهروندی و ضامن حفظ کرامت انسان‌ها در مقابل ساختارهای دولتی است. به همان نسبت که نظام‌های سلطه در سطح بین‌المللی رشد پیدا کرده‌اند، باید انجمن‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نظارتی و بازرسی نیز گسترش یابند. جایگاه نظارت و بازرسی در قوانین جمهوری اسلامی به‌ویژه در قانون اساسی، بسیار مهم و رفیع است. این جایگاه پراهمیت برگرفته از آموزه‌های دینی و مبانی فقهی اسلام است که به موجب آن مردم حق دارند بر عملکرد مسئولان و حاکمان خود نظارت کنند. وظایف سازمان بازرسی در قانون اساسی ایران فراگیر است و حق نظارت بر عملکرد تمام سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی و نظارت





بر اجرای درست سیاست‌های نظام در همه بخش‌ها و نیز نظارت بر حسن اجرای تمام قوانین کشور بر اساس قانون، بر عهده این سازمان است و این اختیارات وسیع و گسترده در کمتر ساختار نظارتی در جهان وجود دارد. قرار گرفتن این سازمان در زیر مجموعه قوه قضاییه، ضمن حفظ این سازمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از قرار گرفتن در زیر مجموعه قوه مجریه، اجرای عدالت و حفظ حقوق مردم را بهتر و سریع‌تر امکان‌پذیر می‌کند. متأسفانه هم اکنون به واسطه تقویت نظام‌های سلطه در جهان، مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ظالمانه‌ای علیه کشورهای مظلوم شکل گرفته و سازمان‌های بین‌المللی نظارت و بازرسی وظیفه دارند پایمال شدن حقوق ملت‌ها و استبداد ظالمانه و لشکرکشی استکبار به کشورهای مختلف را که به اسم گسترش دموکراسی صورت گرفته و می‌گیرد، پی‌گیری کنند و بررسی آن‌را در دستور کار خود قرار دهند. سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه سازمان‌هایی که وظیفه نظارتی و بازرسی دارند، باید به مردم مظلوم و کشورهای تحت سلطه و تقویت برخی مناسبات سلطه‌گرانه در جهان توجه کنند، ولی متأسفانه بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی که با اهداف بشردوستانه پایه‌ریزی شده‌اند، در حال حاضر تحت تأثیر مناسبات سلطه جهانی، از اهداف و وظایف اولیه خود دور شده و امکان نظارت بر عملکرد نظام‌های قدرت و سلطه جهانی را ندارند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ الف: ۷۳-۷۱)

۳-۶. **اهتمام پیرامون توسعه قضایی برای تشکیل نظام قضایی بشرگرایانه و مقید حقوق**

### انسان‌ها

«اگر هدف احقاق حق باشد، بسیاری از اشکالات در ساختار قوه قضاییه اصلاح خواهد شد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۳۶) «حفظ حقوق شهروندی چه در بخش حقوقی و چه در بخش کیفری، در همه مراحل تشکیل و رسیدگی، لازم است. ضابط قضایی، دادیار و دادستان، باید واقعاً زیر مجموعه خود را مقید کنند به این که آداب و احکام قضایی اسلامی و حفظ حقوق شهروندی را در مراحل جلب و بازجویی، احیا و نهادینه کنند. اگر امور مربوط به شرایط قاضی، وضعیت زندان‌ها، نحوه برخورد با مجرمان و مسائلی از این قبیل اصلاح شود، ما دارای یک نظام قضایی بشرگرایانه و مقید و حافظ حقوق و کرامت انسان‌ها خواهیم بود. بسیاری از بخش‌نامه‌هایی که در جمهوری اسلامی ایران صادر شده و اقداماتی که انجام گرفته و لوایحی که تصویب شده، همه در این جهت بوده است. همه مسائل حقوقی افراد در اسلام آمده و باید در قالب قانون نهادینه شوند و ساختاری برای اجرای آن‌ها به وجود آید.»

(هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۲۴-۲۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۹)





در راستای چنین نگرشی است که آیت الله شاهرودی تأکید می‌کند: «کسانی که در اثر خطای قضایی ضرر و زیان می‌بینند، دستگاه قضایی و دستگاه اجرایی کشور باید حقوق این افراد را محترم شمرده و این زیان را به هر صورت که ممکن است جبران کنند. اسلام به کرامت انسان‌ها و حقوق شهروندی بسیار اهمیت داده و آن را اصل دانسته است. محور اصلی اصول توسعه قضایی این است که ما این اصل را درون دستگاه قضایی و نیز دیگر بخش‌های حاکمیت نظام و هم برای مردم، فرهنگ کنیم. البته این بدان معنا نیست که با جرایم و مجرمان برخورد قانونی نشود. مسئولیت اصلی دستگاه قضا این است که حقوق مردم را حفظ کند، همان که در قانون اساسی با عناوینی چون احقاق حقوق عامه، گسترش عدل، حل و فصل مشکلات مردم، اصلاح مجرمین و پیش‌گیری از جرم آمده است. در اصول مختلف قانون اساسی، حدود صد مورد از این حقوق عامه احصا شده است. دستگاه قضایی طبق صریح قانون اساسی، مسئول احقاق این حقوق است. اولین حق از حقوق مردم، حفظ کرامت انسان‌ها و حقوق شهروندی آنان است. قاضی را نیاوردند که خدمت به حکومت کند، آورده‌اند که طبق قانون اساسی، به مردم خدمت کند.

طبق صریح قانون اساسی، گسترش عدل، احیای حقوق عامه و نه فقط احیای حقوق دولت، اصلاح مجرمین، اصلاح جامعه، ایجاد امنیت در جامعه، پیش‌گیری از جرم و کلاً سالم‌سازی جامعه، هدف‌های دستگاه قضایی و قضات است. پس بایستی به حقوق مردم توجه کنیم، خیلی وقت‌ها این حقوق مردم از طرف دولت سلب می‌شود، قاضی باید این حقوق را از حلقوم دولت بکشد و به مردم بدهد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۲۷-۲۶)

در همین زمینه، آیت الله شاهرودی به سیستم قضایی توصیه می‌کنند: «همه مدیران، دست‌اندرکاران و قضات و کارمندان سطوح بالای قوه قضاییه باید آستین همت بالا بزنند و همه توان بالقوه خود را جهت اصلاح ساختار نظام قضایی به‌کارگیرند. به راستی که رفع این کاستی‌ها و گرفتاری‌ها، عزم و اراده‌ای استوار می‌طلبد. تحقق بخشیدن به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام، برقراری آزادی‌های مشروع و حمایت از آن‌ها، گسترش عدالت و پاسداری از امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که هم در قانون اساسی آمده و هم فقه اسلام به آن‌ها پای‌بند است، باید در صدر اهداف قوه قضاییه قرار گیرند. واقعاً ایمان و همت والا لازم است تا این اصول و ضوابط قضایی تحقق یابند. مهم اصل برائت، برقراری عدل، احقاق حقوق ملت، حفظ آزادی‌های مورد قبول اسلام و نظام، ایجاد امنیت و فقدان بحران در جامعه است.»

(هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ت: ۳۵-۳۴)



## ۷. حقوق شهروندی گروه‌ها، اقشار و افراد در حکومت اسلامی

### ۷-۱. حقوق زنان به مثابه یک مسئله راهبردی در تکوین جامعه انسانی

حقوق بشر و حقوق زن، یک بحث اساسی است. بحث زن یک بحث قضایی نیست، بلکه حقوق سیاسی، حقوق قضایی، حقوق عمومی و حقوق فرهنگی دارد. (نک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ پ: ۱۰) بحث حقوق زن، تنها محدود به قوه قضاییه و ازدواج و طلاق و دادگاه مدنی نیست، بحث حقوق زن دامن‌گیر کل زندگی انسان است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۲۲۲) از این رو، مسئله حقوق زن با حقوق اصناف و اقشار دیگر جامعه فرق می‌کند، چرا که حقوق هر صنف از اصناف دیگر، مربوط به همان صنف و قشر خاص است؛ ولی حقوق زن به کل جامعه مربوط می‌شود. جمعیت زنان، نصف کل جامعه را تشکیل می‌دهد و یکی از دو رکن اساسی حیات و زندگی انسان‌ها محسوب می‌شوند، چه در بعد فردی و خانواده و چه در بعد اجتماع و جامعه. این گونه نیست که حقوق زنان مانند حقوق قشرها و اصناف دیگر، فی‌المثل حقوق وکلا یا پزشکان یا مهندسان، مورد توجه و بحث و بررسی قرار گیرد. بحث حقوق زن یکی از مسائل کل جامعه و مورد احترام اسلام است. این مسئله با اهمیت‌تر، حساس‌تر و اساسی‌تر از آن است که منحصر در تشکیلات باشد. کل جامعه فکری و فرهنگی ما باید وارد این مقوله شود، حوزه‌ها نیز باید وارد این کار شوند. بایستی نقطه‌نظرها و دیدگاه‌ها در مورد مرد و زن را مشخص کنند. قوانین و مسائل متناسب با حقوق هر یک از این دو قشر را که دو رکن عظیم جامعه هستند، مطالعه کنند. سهم زن و مرد در تکوین جامعه انسانی به اندازه هم است. سهم این دو قشر، هم از نظر فلسفی و هم بر اساس بینش اسلام و هم از نظر تکوین؛ به یک اندازه است و هیچ کدام از این دو جنس نمی‌توانند بدون دیگری جامعه را تشکیل دهند و حتی نمی‌توانند زندگی را ادامه دهند. اگر با این دید به موضوع نگاه شود، قطعاً اهمیت آن معلوم خواهد شد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۲۱۹) امروز در جوامع غربی که مدعی حقوق زن و حقوق بشر هستند، یکی از پراسیب‌ترین قشرها، زنان هستند و بیشترین ظلم به آنان می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ پ: ۲۴)

### ۷-۱-۱. تشکیل کانون‌های حمایت از حقوق زنان

آیت‌الله شاهرودی تأکید دارد در راستای نهادینه شدن و فرهنگ‌سازی حقوق زنان، باید تشکلهایی تدارک دید تا منجر به آگاهی عمومی نسبت به حقوق بانوان در جامعه اسلامی شود. در همین راستا در کتاب «منشور سیاست» توصیه می‌کنند: «تشکیل کانون‌های حمایت از حقوق خانواده و حقوق زنان، قطعاً لازم است تا به تدریج مردم به حقوق اسلامی خود و کرامت انسانی و جایگاه والای زن واقف شوند و از سنت‌های نادرست دست بکشند.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۱۷۸)



## ۲-۷. حقوق زندانیان و رعایت حقوق شهروندی در زندان

از پانزده ماده قانون حقوق شهروندی، چند ماده به زندانیان مربوط می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ الف: ۱۴۸) دیدگاه کلی اسلام در مورد زندانیان این است که به هیچ وجه نباید با روح انتقام‌گیری و تحقیر و شکستن روحیه با آن‌ها برخورد شود. حقوق شهروندی زندانی‌ها، کرامتشان و حقوق خانواده آنان، نباید به این بهانه که می‌خواهیم مجازات زندان را اجرا کنیم، فدا بشود. قوانین هم باید در این بخش تعدیل شود. اساساً در باب کیفر و مجازات در اسلام، مینا و فلسفه، انتقام‌جویی، حرمت‌شکنی و شکستن انسان‌ها نیست، بلکه برعکس، حرمت بخشیدن و اصلاح و ارتقاء و رفع مشکل انسان گرفتار و جامعه است. این سیاست واقعاً باید هم در تدوین قوانین و سیاست‌های کیفری قوانین مجازات اسلامی و هم در ساختارها، تشکیلات، تشریفات و آیین اداری قضایی دیده شود. در اسلام هر انسانی اگرچه جرم کرده و زندانی باشد؛ شأن و کرامت انسانی او محفوظ است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ الف: ۵۱-۵۰)

در کتاب قانون و قانون‌گذاری تأکید شده است که «نباید حقوق زندانی و خانواده او فدا شود که می‌خواهیم مجازات زندان را اجرا کنیم. باید قوانین در این بخش تعدیل شود. نباید اجازه بدهیم قوم و عائله یک نفر برای این که یک جرم جزئی کرده و در فلان قانون برایش زندان آمده، در عذاب بمانند و به همه آن‌ها ظلم شود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۸ ب: ۵۱)

در کتاب «سیاست جنایی و سیاست کیفری اسلام» آمده است: «یکی از سیاست‌های کیفری اسلام این است که مجازات مجرم، حقوق دیگر آن مجرم را از بین نبرد. حقوق و کرامت حتی مجرمین، در اسلام محترم است و نباید مجازات مجرم، حقوق دیگر او را از بین ببرد. نمی‌توان گفت، چون این جرم را مرتکب شده، دیگر هیچ حقی ندارد و از انسانیت ساقط شده و تمام حقوقش از بین رفته است. در فقه آن همه تأکید شده که حقوق دیگر مجرم، نباید به واسطه جرمش از بین برود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۹: ۷۴-۷۳)

بنابراین، رعایت حقوق شهروندی در زندان، یکی از اصول مندرج در قوانین جمهوری اسلامی ایران است. آیت‌الله شاهرودی در باب این اصل به عنوان یکی از جلوه‌ها و مصادیق حقوق شهروندی توضیح می‌دهند: «آوردن و بردن زندانیان از بازداشتگاه و زندان با دست‌بند و زنجیر و در منظر عام، با روح کرامت انسان از نظر اسلام مخالف است. حالا ممکن است اصل اتهام این شخص، مربوط به چک باشد. رفتار با زندانیان خیلی بد است. سرتراشی و لباس مخصوص پوشیدن، نسبت به بسیاری از زندانیان، ناروا و تحقیرآمیز است. ما نباید هر کسی که وارد زندان شد را یک مجرم و شرور بدانیم و هر



چه بتوانیم او را تحقیر کنیم. تمام این رفتارها باید تغییرکنند تا دستگاه قضایی اسلامی و مورد اعتماد مردم داشته باشیم. احترام انسان را اصل قرار دهیم، موارد بازداشت موقت باید مشخص شود، طلب وثیقه باید مضبوط باشد. چرا وقتی خود طرف وثیقه می‌آورد، قبول نمی‌کنند و می‌گویند وثیقه خود شخص مورد قبول نیست و باید کس دیگری وثیقه بدهد. قاضی فکر می‌کند با این کار احقاق حق کرده است؟ این چه عدالتی است؟ او با این قبیل بازداشت‌های غیرموجه، ظلم کرده و سبب فساد بیشتر شده است. دستگاه قضایی برای اصلاح است، ولی این‌گونه رفتارها موجب فساد می‌شود. اجرای حکم زندان برای حفظ حقوق شهروندی، در اختیار قوه قضاییه قرار دارد. امروز برای زندانیان و اصلاح و تربیت و آموزش آن‌ها هزینه‌های بسیار صرف می‌شود که سازمان زندان‌ها در این خصوص گزارش‌های بسیار خوبی دارد و باید با آن‌چه که در دنیا است، تطبیق داده شود که شاید در جهان بی‌نظیر باشد. درخصوص زندان در اسلام و حقوق زندانیان به لحاظ فقهی و اعتقادی، با هر نوع زندان مخالف هستم و غیر از موارد استثنایی، هیچ‌کس نباید زندانی شود و نباید با او بدرفتاری شود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۶۵-۶۴)

### ۷-۳. حقوق احزاب

یکی از مصادیق حقوق بشر، حقوق احزاب و تشکل‌ها در جامعه است و همان‌طور که آیت‌الله هاشمی اشاره می‌کنند: «مسائل حقوقی و قضایی احزاب نیز از ابعادی است که باید به آن توجه شود. لازم است حقوق احزاب تدوین شود. همان‌طور که انقلاب و حکومت ما، نوع جدید و بدیعی در فرهنگ سیاسی جهان است، نهادها و رفتارها و روابط سیاسی آن نیز ممکن است متفاوت بوده و نیاز به تعریف و تبیین جدیدی داشته باشد. باید تعریف درست و متناسبی از حزب، تکثر احزاب، تعامل میان احزاب و نقش احزاب در حکومت اسلامی، صورت گیرد. همچنین باید حقوق احزاب به صورت مستدل و مستحکم براساس مبانی فقهی و حقوقی و فلسفی خودمان و با نگاهی به اندیشه‌های نو تبیین شود.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ب: ۲۳۴ و هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، ج: ۶۱)

### ۷-۴. حقوق کار و تشکل‌های کارگری

از نظر شرع و نظام اسلامی، مولدان اقتصادی یک ارزش محسوب می‌شوند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ب: ۱۶) و جایگاه و منزلت کار و کارگر در فرهنگ اسلامی بسیار بلند است. کار در فرهنگ اسلامی بسیار مقدس است و کارگر حبیب خدا عنوان گردیده و بیکاری بسیار نکوهیده شده است. ارزش کار در فرهنگ اسلامی روشن است و نیاز به بحث ندارد. آنچه مهم است این است که در مدیریت جامعه



اسلامی باید این دیدگاه و این بینش، احیا و سیاست‌هایش تدوین و ساختارهای عملیاتی شدن آن ایجاد شود. این تشکل و تشکل‌های مشابه می‌تواند در این زمینه نقش داشته باشند. در میدان عمل و اجرا، دو محور، بسیار مهم است: یکی حمایت از حقوق کار و کارگران و دیگری ایجاد اشتغال و بستری‌هایی که ظرفیت‌های کاری را از نظر کمیت افزایش دهد و از نظر کیفیت، بهینه‌سازی کند و توانمندی و بازدهی کار را ارتقاء ببخشد. در فرهنگ اسلامی و نیز در اصول مختلفی از قانون اساسی، حمایت از کار و کارگر و حقوق کارگران به شکل‌های مختلفی آمده است که در همه این بخش‌ها باید طراحی و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شود. علاوه بر حمایت‌های حقوقی، حمایت‌های اقتصادی نیز لازم است. به این معنا که سیاست‌ها و قوانین اقتصادی باید طوری تدوین شود که حقوق این قشر پایمال نشود. برای این کار، در دستگاه قضایی، در تشکل‌های صنفی و کارگری، در سیاست‌های اقتصادی کلان کشور و نیز در قوانین کار و مقررات اجرایی، همه نیاز به برنامه‌ریزی و طراحی‌های کارشناسی شده است. یک بخش از حمایت‌ها هم، حمایت قضایی است. نظام اسلامی مکلف است در جهات مختلف، از کارگران حمایت کند. حمایت به معنای این نیست که قانون آمرانه و سختی علیه کارفرماها و مسئولین بنگاه‌ها به نفع کارگران، تصویب شود. گاه، برخی قوانینی که حسب ظاهر به نفع کارگران، تصویب می‌شود، در عمل به ضرر کارگران است. حمایت‌های قضایی یا حمایت‌های قانونی، باید واقعی باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ ب: ۲۴۱-۲۴۰)

از این رو، علاوه بر گسترش قلمرو کار، باید به شیوه‌های بازرسی برای احقاق حقوق کارگران توجه ویژه داشت تا مشکلات اساسی و شکایت‌های آن‌ها مورد بررسی قرار بگیرد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴ الف: ۳۰)

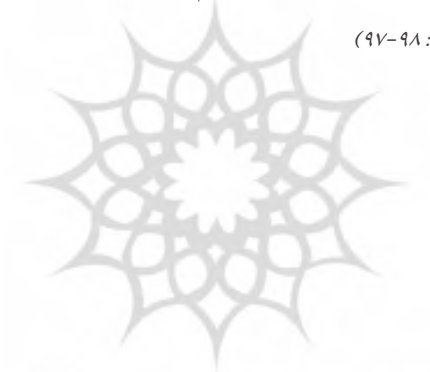
#### ۷-۵. حقوق شهروندی حاشیه‌نشینان و ساکنین مناطق محروم

آیت‌الله هاشمی شاهرودی در همایش حاشیه‌نشینی و امنیت قضایی در تیر ماه ۱۳۸۴، اصطلاح «حقوق شهروندی حاشیه‌نشینان» را به کار بردند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵ ح) از دیدگاه ایشان، مشکل حاشیه‌نشینی تنها این نیست که بخشی از حاشیه یک کلان‌شهر، وضع ناهنجاری دارد و بزه‌کاری و جرایم گوناگونی در آن شیوع دارد، بلکه علاوه بر این، منشاء شیوع جرم و ناهنجاری در بخش غیرحاشیه‌نشین شهرها نیز خواهد شد. حاشیه‌نشینی‌ها اثرات بسیار زیان‌باری در همه ابعاد جامعه دارند. هم اثرات زیان‌بار اقتصادی دارند و جایگاه روابط اقتصادی زیرزمینی مانند قاچاق و پول‌شویی هستند و هم پایگاه بزه‌کاری‌های اجتماعی و اخلاقی و فساد فرهنگی در جامعه می‌باشند. حتی ممکن است بستر



تشکیل مافیاهای بحران‌زایی در کشور نیز بشوند. تبهکارانی که درآمدهای کلانی هم دارند، از همین حاشیه‌نشینان استفاده می‌کنند و شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق مواد مخدر و آدم‌ربایی و مفاسد گوناگونی را به وجود می‌آورند و امنیت عمومی را مختل می‌کنند و بحران می‌آفرینند؛ لذا هم دستگاه قضایی باید با حساسیت بسیار و اولویت درجه اول به این قبیل مسائل نگاه کند و هم دستگاه‌های اجرایی. طبق قانون اساسی، از حقوق شهروندی این حاشیه‌نشینان و نیز تکلیف شرعی است که حداقل زندگی را برای آن‌ها تأمین کرد. باید آن‌ها را از این حالت بیرون آورد؛ منطقه مناسبی را برای سکونت آن‌ها تعیین کرد و آن‌ها را مجبور به ترک آلودگی‌ها و سکونت در آن‌جا نمود. باید حداقل امکانات زندگی و حداقل هزینه ساخت مسکن به آن‌ها داده شود تا بتوانند زندگی خودشان را در آن‌جا شروع کنند. سپس در این شهرک‌های نوبنیاد، همه جوانب امنیتی، فرهنگی و اجتماعی لازم در نظر گرفته شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۴، ت: ۲۳-۲۲)

۲۲: هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵، پ: ۹۸-۹۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## نتیجه

حقوق شهروندی اصطلاحی نوین در ادبیات حقوقی و سیاسی جهان است که مفهوم، مصادیق و ملزومات آن در آموزه‌های اسلامی به وفور یافت می‌شود و به همین دلیل، برای جهان اسلام پدیده‌ای مغفول نبوده است، اما سازمان‌های حقوق بشر غربی آن‌ها را با ادبیات و رویکرد جدیدی، مطرح کرده‌اند. آیت الله هاشمی شاهرودی حقوق شهروندی را دارای دو معنای عمومی و خاص می‌داند. حقوق شهروندی، حقوق همه افراد را شامل می‌شود و همگان باید به حقوق افراد در موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف توجه داشته باشند. ایشان حقوق شهروندی را به سه دسته حقوق قضایی، مدنی - سیاسی و اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تقسیم می‌کنند و اعتقاد دارند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این سه بعد و مؤلفه‌های آن توجه شده است. این دسته‌بندی توسط آیت الله شاهرودی در کتاب «شهروندمحوری در عرصه عدالت» به تفصیل توضیح داده شده است.

نظام اسلامی از غنای فراوانی برخوردار است و نیازی به مفاهیم غربی در حوزه حقوق بشر، کرامت انسانی و حقوق شهروندی ندارد. با تأکید سازمان‌های بین‌المللی، حقوق شهروندی به یک مسئله جهانی تبدیل شده، ولی مکاتب مختلف بشری در باب مصادیق و مؤلفه‌های حقوق انسانی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. مکتب اسلام نیز در تعریف حقوق بشر با مکاتب مادی شرق و غرب تفاوت دارد. در کشورهای غربی، حقوق بشر و شهروندی یک ابزار سیاسی برای فشار بر کشورهای اسلامی است و آمریکا همواره مانع رشد آگاهی سیاسی ملت‌ها در خصوص حقوق واقعی آن‌ها می‌شود و برای مهار کشورهای مستقل سیاسی، از حربه حقوق بشر استفاده می‌کند و با اتهام نقض حقوق بشر، اجتماعی جهانی علیه آن کشور ایجاد کرده و مانع تحرک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن کشور می‌شود.

از دیدگاه آیت الله شاهرودی، در گفتمان انقلاب اسلامی، حقوق بشر و حقوق شهروندی یک اصل مبنایی است که انقلاب در راستای تحقق مطلوب آن به وجود آمده و قوانین اسلامی ضامن مصادیق حقوق شهروندی هستند. با توجه به نیازها و مقتضیات زمان، فقه اسلامی پاسخ‌گوی مسائل نوین حقوق بشری است و با کنکاش در منابع اصیل اسلامی می‌توان به دغدغه‌های حقوق انسانی پاسخ داد. برخی مصادیق حقوق شهروندی در نظام حقوق جمهوری اسلامی عبارت است از: «اداری عادلانه، حق دفاع و حق استفاده از وکیل در دعاوی، حفظ کرامت انسانی، ممنوعیت استفاده از شکنجه، حقوق خانواده، تفهیم اتهام متهم و داشتن وکیل تسخیری، حق علنی بودن محاکمات، ممنوعیت تفتیش عقاید و دخالت در حریم خصوصی و غیره».



آیت‌الله شاهرودی بر رعایت اصل کرامت انسانی در نظام حقوقی و قضایی تأکید دارند و در راستای توسعه حقوق انسانی، به مسئولان نظام اسلامی تأکید می‌کنند که در سیستم قضایی به حقوق شهروندان توجه شود و با فرهنگ‌سازی، رعایت مصالح شهروندان را در بین کارگزاران و مردم نهادینه سازند. به باور هاشمی شاهرودی، عدم تضییع حقوق شهروندی، نیازمند گسترش کرامت انسانی است و نهادهای مختلف باید در پرتو اصول انسانی بتوانند به فعالیت‌های مستمر خویش ادامه دهند. در راستای تأمین حقوق شهروندی، همه نهادها، مسئولان و ارگان‌ها باید با همدلی و مسئولیت، به برنامه‌ریزی و اقدام مناسب مبادرت کنند تا حقوق شهروندی در جامعه توسعه یابد. در این میان می‌توان به نقش راهبردی قوه قضاییه، شوراها، شهرداری‌ها، وکلا و غیره اشاره کرد که توسعه سیستم قضایی در حوزه حقوق انسانی به عملکرد ایجابی آن‌ها نیازمند است. سیستم‌های بازرسی و نظارت در ارتقاء حقوق شهروندی و حفظ کرامت انسانی مؤثر هستند و براساس تأکیدات آیت‌الله شاهرودی، باید برای تشکیل نظام قضایی بشرگرایانه و مقید حقوق انسان‌ها اقدام کرد و در نظام اسلامی نیز حقوق زنان، حقوق زندانیان، حقوق احزاب، حقوق کارگران و سایر تشکل‌ها و گروه‌ها باید حراست شود و همگان موظف به تعالی جمهوری اسلامی در حوزه حقوق شهروندی هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## منابع

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ دهقان، مجتبی (۱۳۹۶): «قانون اساسی و حقوق بشر در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ششم، بهار، شماره ۲۰، صص ۵۹-۳۳.
۲. انصاری، محمودرضا (۱۳۹۷)، «نقد نظام عدالت قضایی در پرتو حاکمیت قانون با تأسی از نظریات مرجع عالی قدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه عدالت.
۳. باقرزاده، محمدرضا (۱۳۹۳)، «اوصاف حقوق بشر در نظام حقوقی اسلام»، فصل‌نامه حکومت اسلامی، دوره نوزدهم، بهار، شماره ۷۱، صص ۸۶-۵۷.
۴. جلالی فراهانی، احمد (۱۳۸۶)، «فقط یک تعریف از حقوق شهروندی»، روزنامه ایران، هجدهم تیر، شماره ۳۶۸۲.
۵. جمشیدی، علی‌رضا (۱۳۸۸)، «تدوین لوایح در پرتو برنامه‌های توسعه قضایی»، تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۶. حمیدی، سمیه؛ کامرانی، فاطمه (۱۳۹۷)، «واکاوی مفهوم حقوق بشر در نواندیشی دینی معاصر؛ بررسی تطبیقی اندیشه امام خمینی و ابوالاعلی مودودی»، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، دوره هشتم، پاییز، شماره ۲۸، صص ۲۱۴-۱۹۵.
۷. داوری، محسن (۱۳۸۹)، «مفهوم حقوق بشر در تعالیم اسلامی»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره یازدهم، بهار و تابستان، شماره ۳۱، صص ۱۱۳-۸۷.
۸. قریشی، سیدمهدی؛ صالحی، سیدمهدی؛ فرامرزی، فاطمه (۱۳۹۱)، «جایگاه حقوق بشر در اسلام»، همایش ملی حقوق بین‌الملل در آینه علوم روز، ارومیه، جهاد دانشگاهی واحد استان آذربایجان غربی.
۹. قلی‌پور، منصوره (۱۳۸۶)، «حقوق شهروندی، حق دفاع و فرهنگ فاطمی»، مجله نگاه حوزه، تابستان، شماره ۲۱۱.
۱۰. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۷۹)، «منشور توسعه قضایی: دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و رئیس قوه قضاییه آیت الله هاشمی شاهرودی»، تهران، معاونت اجتماعی و اطلاع‌رسانی قوه قضاییه.
۱۱. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۴)، سخنرانی در جلسه مسئولان عالی قضایی پیرامون بیانیه‌های مجامع حقوق بشری درباره نقض حقوق بشر در ایران و سایر ملل اسلامی، بیست و ششم دی.
۱۲. هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱۳۸۵ الف)، «دستگاه قضایی»، مجله قضاوت (ماهنامه آموزش دادگستری استان تهران)، آبان و آذر، شماره ۴۱، صص ۲۷-۲۴.



۱۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۵ ب)، «حقوق بشر: گزیده سخنان آیت الله هاشمی شاهرودی»، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
۱۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۶ الف)، «تقدم عدالت بر رویکرد امنیتی»، مجله حقوقی کیفری، بهار، شماره ۵۸، صص ۲۲-۹.
۱۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۶ ب)، «شهروند محوری در عرصه عدالت»، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، اداره کل اجتماعی و فرهنگی.
۱۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۸)، «شهادت اول و سازمان‌دهی نهاد مرجعیت»، فصل‌نامه فقه اهل بیت، سال پانزدهم، تابستان و پاییز، شماره‌های ۵۸ و ۵۹، صص ۹-۳.
۱۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۲)، «رساله احکام جوانان: مطابق فتاویٰ حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۱۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۳)، «ولایت فقیه: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، نشر خرسندی.
۱۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴ الف)، «نظارت و بازرسی: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴ ب)، «منشور سیاست: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۱. شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴ پ)، «مبارزه با فساد: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴ ت)، «حقوق شهروندی: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴ ث)، «بیداری اسلامی: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۴ ج)، «اندیشه اسلامی: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵ الف)، «زنداندازی و حبس‌زدایی: گزیده بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، نشر میزان.



۲۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵ب)، «نیروهای مسلح: مطابق فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵پ)، «چالش‌ها و مسائل فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران: بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی پیرامون چالش‌ها و مسائل فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵ت)، «مقابله با مفساد اقتصادی: بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی پیرامون مقابله با مفساد اقتصادی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۲۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵ث)، «مشکلات و چالش‌های دستگاه قضایی و برخی راهکارهای بهبود عملکرد آن: بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۳۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵ج)، «امنیت: بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۳۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵چ)، «انتخابات: بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۳۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۵ح)، «پیش‌گیری و مقابله با جرایم و مفساد: گزیده بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۳۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۸الف)، «وکالت: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۳۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۸ب)، «قانون و قانون‌گذاری: مجموعه بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی»، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۳۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۸پ)، «حقوق زنان: بیانات مرجع عالی قدر حضرت آیت‌الله العظمی هاشمی شاهرودی پیرامون حقوق زنان»، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع).
۶۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۹)، «سیاست جنایی و سیاست کیفری اسلام: مجموعه بیانات



مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی سید محمود هاشمی شاهرودی، «نسخه الکترونیک، تهران،  
انتشارات بنیاد فقه و معارف اهل بیت (ع)».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی